

گناه و آثار شوم آن در زندگی امت از قرآن و سنت

تألیف:

عبدالله السدحان

ترجمه:

اسحاق دبیری رحمته

گناه و آثار شوم آن در زندگی امت از قرآن و سنت

عبدالله السدحان

اسحاق دبیری رحمته

اخلاق اسلامی - بدعت، گناه و توبه

اول (دیجیتال)

آبان (عقرب) ۱۳۹۴ شمسی، ۱۴۳۶ هجری

www.aqeedeh.com کتابخانه عقیده

عنوان کتاب:

تألیف:

ترجمه:

موضوع:

نوبت انتشار:

تاریخ انتشار:

منبع:



این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

ایمیل:

سایت‌های مجموعه موحدین

www.aqeedeh.com

www.mowahedin.com

www.islamtxt.com

www.videofarsi.com

www.shabnam.cc

www.zekr.tv

www.sadaislam.com

www.mowahed.com



contact@mowahedin.com

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فهرست مطالب

| | |
|-------------------------------------------------------------------------------------|----|
| فهرست مطالب..... | أ |
| تقدیم شیخ دکتر عبدالله عبدالرحمن بن جبرین..... | ١ |
| مقدمه..... | ٣ |
| پیشگفتار..... | ٧ |
| ریشه‌ی گناه..... | ٧ |
| آثار گناه آدم و حوا بر فرزندان‌شان چیست؟..... | ٨ |
| اولین گناه و نافرمانی که در زمین انجام گرفت..... | ٩ |
| فصل اول: اسباب گناه..... | ١١ |
| فصل دوم: آثار گناه در گذشتگان..... | ١٣ |
| یوسف <small>علیه السلام</small> | ١٣ |
| یازده برادر یوسف و بنی اسرائیل که فرزندان آنها بودند:..... | ١٣ |
| شوم بودن فرعون برای خویش و خانواده و اطرافیانش:..... | ١٧ |
| قوم صالح و شعیب و هود و نوح و لوط <small>علیهم السلام</small> :..... | ١٨ |
| راز عذاب همیشگی کافران در جهنم:..... | ١٩ |
| فصل سوم: آثار گناه در امت محمد <small>صلی الله علیه و آله</small> :..... | ٢٣ |
| مردی که به پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small> گفت با عدالت رفتار نکردی:..... | ٢٣ |

- پنهان شدن ليله القدر: ۲۴
- شتر نفرین شده: ۲۴
- دعای پیامبر ﷺ علیه طائفه مضر: ۲۴
- محروم بودن از باران: ۲۵
- مجازات خداوند نیکوکار و بدکار را فرامی گیرد: ۲۵
- گفته پیامبر ﷺ به صحابه: «از اینجا برخیزید»: ۲۶

فصل چهارم: کارهای بسیار خطرناکی که انسان متوجه آن

- نمی شود، بسیار شوم و زود رخ خواهد داد ۲۹
- نافرمانی پدر و مادر و قطع خویشاوندی: ۲۹
- زنا کردن و مقدمات آن: ۳۰
- بلاء موکل به سخن است: ۳۴
- لعنت و آثار شوم آن: ۳۶
- وسواس بودن: ۳۷

فصل پنجم: آثار گناهان بر انسان ۳۹

- آثار ترک گناهان در دنیا: ۴۱
- آثار ترک گناهان به هنگام مرگ: ۴۲
- آثار ترک گناهان در روز قیامت ۴۲

فصل ششم: «توبه و شرایط آن» ۴۳

فصل هفتم: پاک کننده های گناه ۴۹

- چگونه خود را از فکر گناه محافظت می کنید؟ ۵۰

| | |
|---------------------------------------------------------|----|
| فصل هشتم: کیفر و عقاب گناه - گرچه پس از مدتی هم باشد - | |
| واقع می‌شود: | ۵۵ |
| اغفال شدن به رحمت خداوند جهل است: | ۵۶ |
| فصل نهم: راه رهایی از گناهان شوم..... | ۵۹ |
| فصل دهم: گناهایی که باید از آن پرهیز شود، و پیامبر ﷺ در | |
| حدیث صحیح از آن نهی فرموده است..... | ۶۳ |
| خاتمه..... | ۷۳ |
| منابع و مأخذ..... | ۷۵ |

تقدیم شیخ دکتر عبدالله عبدالرحمن بن جبرین

الحمد لله رب العالمین، وصلى الله على محمد وآله وصحبه وسلم
رساله تألیف برادر محترم دکتر عبدالله بن محمد سدحان را مطالعه کردم، و ملاحظه کردم که ایشان روایات و اندرزهای ارزنده‌ای انتخاب نموده‌اند و شاهکار بزرگ کرده‌اند، و به شیوه استادانه و شایسته مقصود را رسانده‌اند. و چون ایشان مشاهده کرده‌اند بسیاری از مسلمانان در منجلاب گناه فرو رفته‌اند، و بر گناهان اصرار می‌ورزند، و به عواقب آن توجه نمی‌کنند اقدام به تألیف این رساله نموده‌اند.

بی‌تردید گناه و عصیان عامل از بین رفتن برکت و نزول عذاب الهی است، و آنچه بر سر پیشینیان آمد مجازات و کیفر زودرسی (بخاطر کفر و شرک و اصرار بر گناه و نافرمانی) بوده است، و کیفر زودرس شدیدتر و به یادماندنی‌تر است، خداوند درباره برخی از مجازات شدگان در دنیا می‌گوید:

﴿وَلَوْلَا أَنْ كَتَبَ اللَّهُ عَلَيْهِمُ الْجَلَاءَ لَعَذَّبَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ

عَذَابٌ أَلْتَارًا ﴿٣﴾ [الحشر: ٣].

«و اگر نه این بود که خداوند ترک وطن را بر آنان مقرّر داشته بود آن‌ها را در همین دنیا مجازات می‌کرد، و برای آن‌ها در آخرت نیز عذاب آتش است.»

و همراه با آن چه می‌خوانیم و میشنویم، و با وجود این همه نصیحت‌ها و پندها، بسیاری از کشورها و افراد و گروه‌هایی که به اسلام مباهات می‌کنند را می‌بینیم که بر گناهان کبیره اصرار می‌ورزند، و به گناه کردن افتخار می‌کنند، و یکی از آن عاصیان به گناهش فخر می‌نمود، گویا کار نیک انجام

داده، و آرزوی پاداش آن را دارد، و این افتخارکردن فریب و وسوسه شیطان است، پس بر هر مسلمانی واجب است به پروردگار روی آورد و رفتار خویش را اصلاح کند و توبه نماید، و بر گناهان گذشته خویش اندوهگین شود، و پروردگار توبه بندگان را می‌پذیرد و گناهان را مورد عفو قرار می‌دهد.

وصلی الله علی سیدنا محمد وآله وصحبه وسلم

عبدالله بن عبدالرحمن الجبرین

عضو افتاء

مقدمه

سپاس و ستایش از آن خداوند است، و او را می‌ستائیم و از او هدایت و یاری می‌جوئیم. و از شر نفس و بدی کردار به او پناه می‌بریم، خدا هر کسی را هدایت کند گمراه‌کننده‌ای ندارد، و هرکه را گمراه کند هدایت‌کننده‌ای ندارد، و بر پیامبر ﷺ رحمت و هدایت درود و سلام می‌فرستیم، پیامبری که خداوند او را پس از انقطاع وحی فرستاد تا مردم را به استوارترین آئین هدایت کند، و بواسطه او چشم‌های کور و گوش‌های کر و دل‌های غافل را باز کرد.

چه بسا مردمانی از سنگدلی و از بین رفتن برکت و وسوسه‌های شیطان و مشغول شدن به دنیا به جای دین شکایت می‌کنند.
و از فرموده پروردگار غافل هستند که می‌فرماید:

﴿وَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ غَفْلًا عَمَّا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ إِنَّمَا يُؤَخِّرُهُمْ لِيَوْمٍ تَشْخَصُ فِيهِ الْأَبْصَارُ﴾ [ابراہیم: ۴۲].

«گمان مبر که خدا، از آنچه ظالمان انجام می‌دهند، غافل است».

میمون بن هارون رضی اللہ عنہ در معنای این آیه می‌گوید: (این آیه تسلی خاطر برای ستمدیده و تهدید برای ستمگر است). ابراهیم بن ادھم رضی اللہ عنہ می‌گوید: (ما نسلی بهشتی بودیم ابلیس با معصیت ما را فریب داد و از آن رانده شدیم، پس شایسته است که انسان گناهکار به زندگی خرسند نشود تا به وطنش «بهشت» بازگردد).

بنابراین همه این بدبختی‌ها جز بهره گناه و شوم بودن آن چیز دیگری نیست، خداوند می‌فرماید:

﴿أَفَنَجْعَلُ الْمُسْلِمِينَ كَالْمُجْرِمِينَ ﴿٣٥﴾ مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ ﴿٣٦﴾﴾ [القلم:

۳۵-۳۶].

«آیا مؤمنانی را (که در برابر حق و عدالت تسلیمند) همچون مشرکان و مجرمان قرار دهیم. شما را چه می‌شود؟ چگونه داوری می‌کنید؟».

﴿أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ أُجْرَحُوا السَّيِّئَاتِ أَنْ نَجْعَلَهُمْ كَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَوَاءً مَحْيَاهُمْ وَمَمَاتُهُمْ سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ ﴿٣٦﴾﴾ [الباقية: ۲۱].

«آیا کسانی که مرتکب بدی‌ها و گناهان شدند گمان کردند که ما آن‌ها را همچون کسانی قرار می‌دهیم که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده‌اند که حیات و مرگشان (در دنیا و آخرت) یکسان باشد؟! چه بد داوری می‌کنند».

﴿أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ ﴿٣٧﴾﴾ [ص: ۲۸].

«آیا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند همچون مفسدان در زمین قرار می‌دهیم، یا پرهیزگاران را همچون فاجران؟!».

عامل گناه غفلت و شهوت است چنانچه شیخ الاسلام ابن تیمیه رحمته می‌گوید: (غفلت و شهوت گناهکار را به گناه تشویق می‌کند و ریشه بدبختی است) خداوند در قرآن می‌فرماید:

﴿وَلَا تُطِعْ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَن ذِكْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ وَكَانَ أَمْرُهُ فُرْطَانًا ﴿٣٨﴾﴾

[الکھف: ۲۸].

«و از کسانی که قلبشان را از یاد خود غافل ساختیم اطاعت مکن! همانها که از هوای نفس پیروی کردند، و کارهایشان افراطی است».

و هوس و نادانی با هم علت گناهان است، چون اگر شخص هوس باز بداند که هوی و هوس بسیار آسیب‌رسان است قطعاً از آن دوری می‌کند، به

همین خاطر صحابه رضی الله عنهم می‌گویند: (هر کسی که نافرمانی خداوند می‌کند نادان و جاهل است).

ولیکن این بیچاره به نادانی‌اش معذور نیست، پس گناهکار باید در عواقب گناه و بدبختی حاصل از آن در دنیا و آخرت - پناه به خدا - بیندیشد، چون گناهکار هنگامی که گناه می‌کند، نافرمانی چه کسی می‌کند؟ نافرمانی مالک هستی می‌کند!

بلال بن سعد رضی الله عنه می‌گوید: (به ناچیزی گناه نگاه مکن، بلکه به عظمت کسی که نافرمانی‌اش می‌کنید نگاه کن).

آنچه مرا به نوشتن این رساله واداشت این است که مشاهده کردم بسیاری از مسلمانان متأسفانه در ارتکاب گناه سهل‌انگاری نموده، و می‌پندارند که توبه محض گناهان را پاک می‌کند.

ابن قیم رضی الله عنه می‌گوید: (گناه زخم است، و چه بسا زخم در جای کشنده باشد).

به خدا سوگند توبه تنها کافی نیست؛ بلکه لازم است انسان پشیمان شده و بیمناک باشد و همیشه طلب مغفرت نماید و همراه با آن احسان و کار نیک انجام دهد تا از جمله رستگاران مقرب قرار گیرد، خداوند می‌فرماید:

﴿إِلَّا مَنْ تَابَ وَءَامَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُولَٰئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ ۗ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا ﴿٧٠﴾﴾ [الفرقان: ۷۰]. «مگر کسانی که توبه کنند و ایمان آورند و عمل صالح انجام دهند، که خداوند گناهان آنان را به حسنات مبدل می‌کند؛ و خداوند همواره آمرزنده و مهربان بوده است!».

و در آیه دیگر می‌فرماید:

﴿وَمَنْ تَابَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَإِنَّهُ يَتُوبُ إِلَى اللَّهِ مَتَابًا ﴿٧١﴾﴾ [الفرقان: ۷۱]. «و کسی که توبه کند و عمل صالح انجام دهد، بسوی خدا بازگشت

می‌کند (و پاداش خود را از او می‌گیرد)».

ای برادر مسلمان: هنگامی که جان و نفس، شما را به گناه کردن فراخواند، و به انجام آن فکر کردی و در دل تصمیم به ارتکاب آن گرفتی، مطالبی که درباره شوم بودن گناه و عاقبت آن - که در ضمن این رساله می‌آید - را بخوانید، و عظمت آفریدگار و فضلش بر خویش را به یاد آورید، خدای که نعمت سلامتی و عافیت را به شما عطا کرده است، و اگر این نعمت‌ها نبودند نمی‌توانستی گناه انجام بدهی، برادر رفتارت را با هم مقایسه کن، لذت گناه چند لحظه است، امیدوارم هنگام گناه کردن تلخی محرومیت را به یاد آورید، فایده در لذتی نیست که عاقبت آن آتش است. از پروردگار خواستارم که ما و شما را از پلیدی و گناه محفوظ بدارد. خدایا آرزوهایمان را برآورده کن، و عاقبت ما را نیکو گردان، و راه رسیدن به خشنودی را برایمان هموار ساز، و دست ما را در رسیدن به امور خیر بگیر، و در دنیا و آخرت به ما رحمت عطا فرما، ای غفار از مرحمت و مهربانی‌ات ما را از آتش جهنم محفوظ بفرما.

وصلی الله علی محمد وعلی آله و صحبه وسلم



پیشگفتار

ریشه‌ی گناه

«اولین گناه و نافرمانی که در آسمان انجام گرفت»^۱.

اولین گناه در آسمان حسادت ابلیس به آدم بود، آنگاه که خداوند به او فرمان داد برای آدم سجده نماید، بخاطر تکبر و غرور و خودخواهی سجده نبرد.

پس از آن، گناه آدم و حوا بود، آنگاه که خداوند به آن‌ها دستور داد از ثمر درخت نخورند به تشویق ابلیس - لعنت خدا بر او باد - از آن خوردند، سپس توبه کردند و خداوند توبه آن‌ها را پذیرفت، و علت آن: «چون گناه، ترک فرمان در نزد خداوند از ارتکاب نهی بزرگ‌تر است، بخاطر این آدم از خوردن درخت نهی شده بود، و خداوند توبه او را پذیرفت، و به ابلیس دستور داده بود برای آدم سجده ببرد و چون امتثال امر نکرد توبه‌اش مورد پذیرش قرار نگرفت^۲، چون غالباً منشاء ارتکاب نهی، شهوت و نیار است، و منشاء ترک فرمان و امر، تکبر و خودخواهی است، و کسی که به اندازه ذره‌ای تکبر در قلبش باشد وارد بهشت نمی‌شود، اما کسی که بر توحید بمیرد گرچه زنا و دزدی نیز کرده باشد، وارد بهشت می‌شود»^۳.

^۱ - کتاب ادب دنیا و دین، «۲۶۰»، تألیف ماوردی.

^۲ - ابلیس در واقع اصلاً توبه نکرد. وگرنه خداوند توب او و رحیم است، چون می‌فرماید: ﴿وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِّمَن تَابَ وَءَامَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَىٰ﴾ [طه: ۸۲]. «و من هر که را توبه کند، و ایمان آورد، و عمل صالح انجام دهد، سپس هدایت شود، می‌آمرزم!».

^۳ - کتاب الفوائد، «۲۵۰»، تألیف ابن قیم.

پس هر کسی اوامر پروردگار مانند نماز و امثال آن را ترک کند، بی تردید در برابر خطر بزرگی قرار گرفته است.

آثار گناه آدم و حوا بر فرزندان شان چیست؟

ابوهریره رضی الله عنه از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت می کند که فرمودند: (اگر حوا نبود هرگز زنی به شوهرش خیانت نمی کرد)^۱. منظور از حدیث این است که حوا آدم را به مخالفت فرمان پروردگار و خوردن از ثمر درخت تشویق و ترغیب کرد، و مراد از خیانت زنا کردن نیست، و ریشه آن بخاطر شومی گناه در دخترانش باقی ماند.

ابوهریره رضی الله عنه از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت می کند که فرمودند: «هنگامی که خداوند آدم را آفرید بر پشت وی دستی کشید و نسل هر فردی از فرزندان او تا روز قیامت خارج شد، و بر پیشانی هر فردی ذره‌ای نور قرار داد، سپس آن‌ها را به آدم نشان داد، آدم گفت: پروردگارا! آن‌ها کی هستند؟ گفت: فرزندان هستند، آدم مردی را دید نور پیشانی او را شگفت زده کرد، گفت: پروردگارا! این کیست؟ گفت: مردی از آخرین فرزندان است و نامش داود است، گفت: پروردگارا! چند سال سن به او عطا کرده‌ای؟ گفت: شصت سال، گفت: پروردگارا! چهل سال از سن من به او عطا کن، و هنگامی که سن آدم تمام شد فرشته مرگ به نزدش آمد، آدم گفت: مگر چهل سال از سن من باقی نمانده است؟ ملک الموت گفت: مگر آن را به فرزندت داود نداده‌ای؟ پیامبر صلی الله علیه و آله گفت: آدم انکار کرد پس فرزندان او انکار می کنند! و آدم خطا کرد، فرزندان او نیز خطا می کنند!»^۲.

^۱ - مختصر صحیح مسلم، «حدیث ۸۶۴، ص: ۲۱۹»، تألیف منذری.

^۲ - صحیح ترمذی، «۵۳/۳»، ناصرالدین البانی.

آدم فراموش کرد که پروردگار او را از خوردن ثمر درخت نهی کرده است، و بخاطر شومی و بدی معصیت فراموشی نیز به فرزندانش سرایت کرد. و آدم و همسرش با خوردن ثمر درخت خطا کردند، و این خطا بخاطر شومی و بدی گناه به فرزندانش سرایت کرد، و آدم انکار کرد که چهل سال عمرش به داود داده است، و این انکار بخاطر شومی و بدی گناه به فرزندانش سرایت کرد.

اولین گناه و نافرمانی که در زمین انجام گرفت^۱.

اولین گناه در زمین حسادت قایل به برادرش هابیل بود تا جای که او را بقتل رساند، أعمش از عبدالله بن مره از مسروق از عبدالله بن مسعود^{رضی الله عنه} روایت می‌کند که پیامبر ^{صلی الله علیه و آله} فرمودند: هر کسی در زمین کشته شود برخی از گناه آن بر گردن قایل است، چون او اولین کسی است که قتل را به راه انداخت^۲.

هر کسی به ظلم کشته شود برخی از گناه آن گریبان گیر قایل است، و این بخاطر شومی و بدی گناه است.



^۱ - کتاب ادب دین و دنیا، «۲۶۰»، تألیف ماوردی.

^۲ - کتاب صحیح بخاری، «۱۹۸/۱۲»، شماره حدیث «۶۸۶۷».

فصل اول:

اسباب گناه

گناهان اسباب و عواملی دارند که بصورت خلاصه چنانچه ابن قیم آورده است به سه چیز برمی گردد:

- ۱- وابستگی قلب به غیر خداوند، و آن منجر به شرک می شود.
- ۲- پیروی از نیروی قهری، و آن منجر به ظلم کردن می شود.
- ۳- پیروی از نیروی شهوانی، و آن منجر به فاحشه گری می شود. و عاقبت وابستگی به غیر خدا: شرک، و باور به خدای دیگر است. و عاقبت پیروی از نیروی قهری: قتل است. و عاقبت پیروی از نیروی شهوانی: زنا کردن است. بدین سبب خداوند هر سه را در یک آیه چنین آورده است:

﴿وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ وَلَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَا يَزْنُونَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَلْقَ أَثَامًا﴾ [الفرقان: ۶۸].

«و کسانی که معبود دیگری را با خداوند نمی خوانند؛ و انسانی را که خداوند خورش را حرام شمرده، جز بحق نمی کشند؛ و زنا نمی کنند؛ و هرکس چنین کند، مجازات سختی خواهد دید».

و برخی از اینها باعث به وجود آمدن دیگری می شود، شرک آدم را به ظلم و فاحشه گری وامی دارد، چنانچه توحید و اخلاص آدم را از آن دور می دارد.^۱

^۱ - کتاب الفوائد، تألیف ابن قیم جوزی، «ص: ۱۳۸-۱۳۹».

به خدا سوگند این عاقبت تلخ ماست، تا جایی که سران کفر بر گردن مسلمانان بدون شفقت و مهربانی تسلط یافته‌اند، و هر فاجعه‌ای در گوشه گوشه جهان رخ می‌دهد مسلمانان نصیب بزرگی در آن دارند، «ولا حول ولا قوة إلا بالله العظیم» و این - پناه به خدا - به خاطر شومی و بدی گناه می‌باشد.



فصل دوم: آثار گناه در گذشتگان

یوسف عليه السلام:

حسن از پیامبر ﷺ روایت می‌کند که فرمودند: رحمت خدا بر یوسف اگر به آن زندانی نمی‌گفت: ﴿أَذْكُرُنِي عِنْدَ رَبِّكَ﴾ [یوسف: ۴۲]. «مرا نزد صاحب (سلطان مصر) یادآوری کن!». این مدت در زندان باقی نمی‌ماند، سپس حسن گریه می‌کند و می‌گوید: ما هر گاه مشکلی رخ دهد دست به دامان مردم می‌شویم.^۱

یازده برادر یوسف و بنی اسرائیل که فرزندان آنها بودند:

و قصه آن‌ها نسبت به برادرشان «یوسف» در قرآن مشهور است، و در آن

^۱ - کتاب الزهد، «ص ۱۰۳»، تألیف امام احمد، امام ابن تیمیه در تفسیر این آیه ﴿أَذْكُرُنِي عِنْدَ رَبِّكَ﴾ می‌گوید: معنای سخن یوسف توکل نداشتن او بخدا نبوده است، چون یوسف گفته است: ﴿إِن أُلْحِقَكُمُ إِلَّا لِلَّهِ﴾، و گفته یوسف: ﴿أَذْكُرُنِي عِنْدَ رَبِّكَ﴾ [یوسف: ۴۲]. «مرا نزد صاحب (سلطان مصر) یادآوری کن!». مانند قولش: ﴿أَجْعَلْنِي عَلَىٰ خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ﴾ [یوسف: ۵۵]. «مرا سرپرست خزائن سرزمین (مصر) قرار ده، که نگهدارنده و آگاهم!» است، پس هنگامی که تقاضای ریاست می‌کند بخاطر مصلحت دینی، این خواست ریاستی نیست که از آن نهی شده، و آن گفته منافی توکل نیست، و منظور یوسف از این گفته: ﴿أَذْكُرُنِي عِنْدَ رَبِّكَ﴾ تنها خبر دادن به پادشاه بوده است تا آگاه شود و حق آشکار گردد، و یوسف از اولین توکل‌کنندگان بوده است»، فتاوی ابن تیمیه، ۱۱۴-۱۱۳/۱۵.

قصه آمده است: ﴿أَحَبُّ إِلَيَّ أَيْبِنَا مِثْنَا﴾ [یوسف: ۸].

«یوسف در نزد پدرمان از ما محبوب‌تر است».

و این حسادت آن‌ها بود، و این حسادت به فرزندان آن‌ها سرایت کرد، و

سخن آن‌ها: ﴿إِن يَسْرِقْ فَقَدْ سَرَقَ أَخٌ لَّهُ مِنْ قَبْلُ﴾ [یوسف: ۷۷].

«اگر او (بنیامین) دزدی کند، (جای تعجب نیست؛) برادرش (یوسف)

نیز قبل از او دزدی کرد».

و این تهمت و دروغ بود، و تهمت و دروغ به فرزندان آن‌ها سرایت کرد، و

سخن آن‌ها: ﴿أَقْتُلُوا يُوسُفَ﴾ [یوسف: ۹].

«یوسف را بکشید».

آن‌ها بخاطر نیل به اهداف و عملی کردن نقشه شوم به هر چیزی -

گرچه کشتن یوسف هم باشد - متوسل شدند، و این رفتار ناپسند در فرزندان

شان باقی ماند^۱.

و سخن آن‌ها: ﴿وَحَفِظُ أَخَانَا وَنَزَدَادُ كَيْلَ بَعِيرٍ﴾ [یوسف: ۶۵].

«و برادرمان را حفظ خواهیم کرد؛ و یک بار شتر زیادتر دریافت خواهیم

داشت».

این سخن ناشی از محبت ثروت اندوزی آن‌ها بود و به نسل آن‌ها

بنی اسرائیل انتقال یافت، و آن‌ها در مصر اقامت گزیدند، سپس زیر سلطه

فرعون قرار گرفتند، و فرعون به آن‌ها ظلم و ستم کرد و آن‌ها را ذلیل و

خوار نمود، و فرزندان آن‌ها را کشت، و زنان‌شان را باقی گذاشت.

سپس خداوند موسی عليه السلام را به پیامبری برگزید تا بنی اسرائیل را از آن

حقارت و ذلت نجات دهد، تا شاید که سپاس‌گذار باشند، و قصه عجیب و

^۱ - به جنایاتی که یهودیان امروزه در جهان انجام می‌دهند بنگرید، هر جنایاتی در جهان رخ دهد یهودیان به خاطر رسیدن به اهداف شوم خویش در آن دست دارند.

مفصلی - در آغاز با تکریم پروردگار به آن‌ها - به وقوع می‌پیوندد: ﴿يَبْنَیْ
 إِسْرَائِیلَ اذْکُرُوا نِعْمَتِی الَّتِیْ اَنْعَمْتُ عَلَیْکُمْ وَاِنِّیْ فَضَّلْتُکُمْ عَلَی
 الْعَالَمِیْنَ﴾ [البقرة: ۴۷]. «ای بنی اسرائیل! نعمت‌هایی را که به شما ارزانی
 داشتم به خاطر بیاورید؛ و (نیز به یاد آورید که) من، شما را بر جهانیان،
 برتری بخشیدم».

و منظور از «فضلتکم» این است که خداوند پیامبران بسیاری را از
 بنی اسرائیل برگزید، و نعمت‌های فراوانی به آن‌ها بخشید، و دشمن سرسخت
 آن‌ها فرعون را در دریای نیل غرق کرد، و با وصف اکرام پروردگار، طلاجات
 و ثروت‌های مصریان را دزدیدند، و این کار بخاطر محبت ثروت اندوزی آن‌ها
 بود.

و شنیع‌تر از آن: هنگامی که از رود نیل عبور کردند و موسی علیه السلام به
 دیدار پروردگار رفت آن‌ها گوساله‌ای از طلا ساختند و آن را مورد پرستش
 قرار دادند! و بخاطر شوم بودن معصیت آن‌ها تا روز قیامت مورد خشم
 پروردگار - به جز مؤمنان - می‌باشند، خداوند می‌فرماید: ﴿وَأُشْرِبُوا فِی قُلُوبِهِمْ
 الْعِجْلَ بِکُفْرِهِمْ﴾ [البقرة: ۹۳]. «و دل‌های آن‌ها، بر اثر کفرشان، با محبت
 گوساله آمیخته شد».

و چون آن گوساله از طلا ساخته شده بود تا حالا محبت طلا اندوزی در
 دل‌شان پابرجاست، تا جای که هم اکنون مشاهده می‌کنیم سرمایه داران و
 احتکار کنندگان بزرگ یهودی هستند.

و از صفات ناپسند آن‌ها: عناد و نافرمانی و مخالفت با پیامبران بوده
 است.

از جمله آن: هنگامی که به آن‌ها دستور داده شد با سجده بردن وارد
 «باب» شوند و بگویند: «حطه: مغفرت» تا گناهان آن‌ها آمرزیده شود و

توبه‌شان مورد پذیرش قرار گیرد: ﴿فَبَدَّلَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ قَوْلًا غَيْرَ الَّذِي قِيلَ لَهُمْ﴾ [الأعراف: ۱۶۲].

«اما ستمگران آن‌ها، این سخن (و آن فرمان‌ها) را، بغیر آنچه به آن‌ها گفته شده بود، تغییر دادند».
با مسخره گفتند: حنطه حنطه.

و از جمله آن: قصه گاو است: ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَذَبُجُوا بَقَرَةً﴾ [البقرة: ۶۷].

«خداوند به شما دستور می‌دهد ماده‌گاو را ذبح کنید».

بخاطر شومی مخالفت و لجوجت آن‌ها خداوند در طلب بر آن‌ها سخت گرفت، و این صفت لجوجت به نوادگان آن‌ها سرایت کرد.
و از جمله آن: قصه «اصحاب السبت» است بخاطر شومی «حیله و کید» آن‌ها به میمون و خوک مسخ شدند.

و از جمله آن قصه: «من و سلوی» خوراک اهل بهشت، نعمتی که هرکس از آن می‌خورد سیر نمی‌شد، چون غذای روان و خستگی‌ناپذیر بود، و مزه و طعم آن نسبی نبود، اما آن گاه بنی‌اسرائیل در طور سینا بودند بخاطر عادت به مخالفت و لجوجت نزد موسی رفتند و از او خواستند به جای «من و سلوی»^۱ نباتات از جمله خیار و سیر و پیاز و عدس را از خداوند درخواست نماید.

بخاطر شومی و نحسی گناه، خداوند آن‌ها را در سرزمین مصر سکونت داد، و ذلت خواری را بر سر آن‌ها آورد، و مورد خشم خدا قرار گرفتند، و در بین آن‌ها و نوادگان گمراه آن‌ها باقی ماند.

و از جمله آن: خداوند به آن‌ها دستور داد که غذا را ذخیره نکنند و غذا

^۱ - چون غذایی بهشتی بود.

در آن هنگام هرچند به مدت طولانی فاسد نمی‌گردید، لیکن بخاطر خو گرفتن بنی‌اسرائیل به لجوجت و مخالفت، غذا را ذخیره کردند، و از شومی و نحسی گناه از آن هنگام به بعد غذا فاسد می‌شود.^۱

ابوهریره رضی الله عنه از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت می‌کند که فرمودند: «اگر بنی‌اسرائیل نبودند هرگز غذا خراب نمی‌شد و گوشت فاسد نمی‌گردید».^۲

شوم بودن فرعون برای خویش و خانواده و اطرافیانش:

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَحَاقَ بِآلِ فِرْعَوْنَ سُوءُ الْعَذَابِ﴾ [غافر: ۴۵]. «و عذاب شدید بر آل فرعون وارد شد».

آن‌ها در دنیا مورد لعنت خداوند قرار گرفتند، و حتی گنجینه‌شان - پناه به خدا - نیز مورد لعن قرار گرفت، و اگر کسی آن را بدست بیاورد شومی و نحسی لعنت او را فرامی‌گیرد^۳ و از آن هنگام گنجینه فرعون به «لعنت

^۱ - و احتیاج به یخچال و سردخانه برای نگهداری غذا نداشتیم، و آن زمان تاریخ نموی میکروب در فضا محسوب می‌شود.

^۲ - مختصر صحیح مسلم، «شماره حدیث ۸۶۴»، تألیف منذری با تحقیق البانی، «ص: ۲۱۹».

^۳ - یعنی لعنت پروردگار، چنانچه قرآن می‌فرماید: ﴿وَأَتَّبَعْنَاهُمْ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا لَعْنَةً وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ﴾ [القصص: ۴۲]. «و در این دنیا نیز لعنتی بدنبال آنان قرار دادیم؛ و روز قیامت». پس آطور نیست که باستان شناسان می‌گویند: فرعون اموال و گنجینه‌اش را طلسم کرده است و هر کس بدنبال آن باشد مورد لعن فرعون قرار می‌گیرد، بلکه آنچه از نوشته‌های هیروغلیف و پس وی بدست آمده است علت عدم دسترسی به گنجینه‌ها لعنت خداست. این مصداق حدیث رسول الله صلی الله علیه و آله است که می‌فرماید: «لا تدخلوا علی هؤلاء المعذبین إلا أن تكونوا باکین، فإن لم تكونوا باکین فلا تدخلوا علیهم أن یصیبکم مثل ما أصابهم». رواه أحمد. بر اینان که مورد عذاب شده‌اند وارد نشوید مگر اینکه گریه‌کنان باشید، و اگر چنین نباشید بر آن‌ها وارد نشوید که ممکن است

فرعونیان» معروف شد، و اما در آخرت: خداوند می‌فرماید: ﴿الَّتَارُّ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا غُدُوًّا وَعَشِيًّا وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ أَدْخِلُوا آلَ فِرْعَوْنَ أَشَدَّ الْعَذَابِ﴾ [غافر: ۴۶].

«عذاب آن‌ها آتش است که هر صبح و شام بر آن عرضه می‌شوند؛ و روزی که قیامت برپا شود (می‌فرماید): آل فرعون را در سخت‌ترین عذاب‌ها وارد کنید!».

قوم صالح و شعیب و هود و نوح و لوط علیهم‌السلام:

اقوامی که بوسیله - صیحه آسمانی یا باد سهمگین یا سنگ آسمانی - نابود و هلاک شدند، و از شومی گناه: در مملکت آن‌ها کسی سکونت نمی‌گزیند، و از چشمه‌های آنجا آب نمی‌نوشند، و علوم و فنون سنگ تراشیدن و شناختن جاهای آب و معدن‌های زیرزمینی آن‌ها مفقود گردید.^۱

شما هم مورد عذاب واقع شوید. و فرمان رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در باره با سرعت رفتن در وادی محسر که در بین مزدلفه و صحرای منی واقع است، چون در آنجا خداوند اصحاب فیل را هلاک کرد.

^۱ - و این کار امروزه از جهت علمی به (امواج ذاتی) یا نیروی کشفی معروف است و به سبب آن بر وجود آب و معدن و آثار باستانی از طریق نیروی جاذبه زمین و اشکال هندسی - که تا بحال علمی مجهول است، پی برده می‌شود. و امروزه جز آثار آن، و آن هم در دایره تنگی یافت نمی‌شود. و آن هم جز بخاطر شومی گناه و معصیت نیست. و به همین خاطر معجزه هر پیامبری با آن چه که قومش در آن توانایی داشته‌اند همانند بوده است. مثلاً قوم موسی علیه‌السلام در نیرو و عصای کشفی و سحر چیره‌دست بوده‌اند.

﴿جِبَالُهُمْ وَعَصِيَّهُمْ﴾ [الشعراء: ۴۴]. «آن‌ها طناب‌ها و عصاهای خود را افکندند». پس عصای موسی = با معجزه به ازدهایی حقیقی تبدیل شد. و معجزه چشمه‌های روان خشک شدن دری. و همچنین قوم عیسی علیه‌السلام در علم طبابت چیره‌دست بودند به همین خاطر معجزه عیسی علیه‌السلام زنده کردن مردگان - با اذن خدا - و شفای کوران و

و آثار و بقایای آن‌ها دلیل بر آن است، و اثبات برتری شگفت‌انگیز آن هاست به شیوه‌ای که هم اکنون پیشرفته‌ترین دستگاه‌ها قادر به چنین سنگ‌تراشی نیست، و آن‌ها به خویش ظلم کردند، و اولین نفری - که از گذشتگان - به این ظلم اعتراف کرد آدم علیه السلام بود و گفت: ﴿رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا وَإِن لَّمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾ [الأعراف: ۲۳].

«پروردگارا! ما به خویشتن ستم کردیم! و اگر ما را نبخشی و بر ما رحم نکنی، از زیانکاران خواهیم بود!».

و درباره آن‌ها می‌گوید: ﴿فَتِلْكَ بُيُوتُهُمْ حَاوِيَةٌ بِمَا ظَلَمُوا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَعْلَمُونَ﴾ [النمل: ۵۲]. «این خانه‌های ویران شده آن‌هاست، و در آن عبرت و پند برای دانایان است».

راز عذاب همیشگی کافران در جهنم:

خداوند می‌فرماید: ﴿وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ وُقِفُوا عَلَى النَّارِ فَقَالُوا يٰلَيْتَنَا نُرَدُّ وَلَا نُكَذِّبُ بِآيَاتِ رَبِّنَا وَنَكُونُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ﴾ [البقره: ۲۷].

«کاش (حال آن‌ها را) هنگامی که در برابر آتش (دوزخ) ایستاده‌اند، ببینی! می‌گویند: ای کاش (بار دیگر، به دنیا) بازگردانده می‌شدیم، و آیات پروردگاران را تکذیب نمی‌کردیم، و از مؤمنان می‌بودیم! (آن‌ها در واقع

بیماران بوده است. و قوم صالح علیهم السلام در تراشیدن کوه‌ها چیره‌دست بودند و بر آن مجسمه‌ها می‌تراشیدند پس معجزه صالح بیرون آمدن آن شتر از دل کوه بوده است. و قوم پیامبر محمد صلی الله علیه و آله در شعر و بلاغت مهارت داشتند پس معجزه آن حضرت صلی الله علیه و آله قرآن است که تا روز قیامت با بلاغت عظیم و علوم فراوان آن ماندگار خواهد بود. که خود دلیلی بر ماندگار بودن علم و قرآن تا روز آخرت است.

پشیمان نیستند، بلکه اعمال و نیاتی را که قبلاً پنهان می‌کردند، در برابر آن‌ها آشکار شده (و به وحشت افتاده‌اند). و اگر بازگردند، به همان اعمالی که از آن نهی شده بودند بازمی‌گردند؛ آن‌ها دروغ‌گویانند».

در این دو آیه اندیشیدم، و خیلی تعجب کردم که چگونه کافران به جهنم افکنده می‌شوند، و مواجه سخت‌ترین عذاب می‌باشند، و بخاطر انجام دادن اعمال نیک خواستار خروج از جهنم و بازگشت به دنیا می‌شوند، و خداوند عزیز و قهار درخواست آن‌ها را نمی‌پذیرد: ﴿وَلَوْ رُدُّوا لَعَادُوا لِمَا نُهُوا عَنْهُ﴾ «و اگر بازگردند، به همان اعمالی که از آن نهی شده بودند بازمی‌گردند». و آنگاه که بدانید «ران: زنگاری» دل‌هایشان را پوشیده است و مانند سنگ جهنم بلکه سخت‌تر از آن شده است و هیچ نیکی در آن تأثیر ندارد شگفت‌زده نمی‌شوید، و بخاطر شومی و نحسی معصیت به سوخت و غذای جهنم تبدیل شده‌اند و با صورت به جهنم افکنده می‌شوند و در آن جاویدان هستند.

خداوند می‌فرماید: ﴿وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ﴾ [البقرة: ۲۴].

«هیزم آن، بدن‌های مردم (گنهکار) و سنگ‌ها (بت‌ها) است».

خداوند به آن‌ها ظلم نکرد بلکه آن‌ها به خویش ظلم و ستم کرده‌اند.

امام احمد و مسلم از حذیفه روایت می‌کنند که پیامبر ﷺ فرمودند: فتنه‌ها - مانند جای شاخه شاخه حصیر در بدن کسی که بر روی آن می‌خوابد - بر دل‌ها وارد می‌شود، و هر قلبی با آن آمیزش یابد نکته سیاهی در آن پیدا می‌شود، و هر قلبی با آن آمیزش نیابد نکته سفیدی در آن پیدا می‌شود، تا جاییکه آن قلب مانند سنگ سفید صاف می‌شود و هیچ فتنه‌ای در آن تأثیر نخواهد کرد تا آسمان و زمین پا برجاست، و قلب‌های دیگری مانند «مربد: شدت سفیدی همراه با سیاهی» کوزه وارونه شده، به غیر هوای و

هوس نه خوبی را می‌شناسند، و نه از بدی دوری می‌کنند^۱.

^۱ - صحیح جامع، تألیف البانی، «شماره حدیث ۲۹۶۰».

فصل سوم:

آثار گناه در امت محمد ﷺ:

مردی که به پیامبر ﷺ گفت با عدالت رفتار نکردی:

ابوسعیدؓ روایت می کند علیؓ فرمودند: پس از اینکه پیامبر ﷺ مرا به یمن فرستاد و طلا و زیورآلاتی را به نزد پیامبر ﷺ آوردم، پیامبر ﷺ فرمودند: «آن را در بین اقرع بن حابس، و زید طائی، و عیینه بن حصن فزاری و علقمه بن علائه عامری تقسیم کن»، مردی چشم فرو رفته، پیشانی برجسته، سر تاس، برخاست و گفت: بخدا سوگند با عدالت تقسیم نکردی! پیامبر ﷺ فرمودند: «وای بر تو، اگر من عادل نباشم چه کسی عادل است، هدف من تشویق و ترغیب آن‌ها بود» حاضرین به او هجوم بردند تا به قتلش برسانند، پیامبر ﷺ فرمودند: «رهاش کنید، از نسل این مرد در آخر زمان قومی بد دنیا می آید مسلمانان را می کشند و بت پرستان را رها می کنند، اگر آن‌ها را بیابم مانند کشتار قوم عاد آن‌ها را می کشم»^۱.

خوارج^۲ از سپاه علی بیرون آمدند و بخاطر شومی گناه پدرشان در گفتن «عادل نیستی» شکاف عمیقی در تاریخ اسلام ایجاد کردند.^۳

^۱ - کتاب السنة، تألیف ابو عاصم با تحقیق البانی، «ص: ۴۲۷، ۴۲۶».

^۲ - بنظرم «خدا می داند» علت زیاده روی حجاج در کشتار مردم خو گرفتن به این سخن بوده است.

^۳ - به این کلمه بنگر: یک کلمه بود ولی چطور نسل در نسل انتقال یافت و شوم بودن گناه همگی را فراگرفت، پیامبر ﷺ راست فرموده: انسان سخن زشتی را می زند و آن را ساده می گیرد چه بسا آن سخن باعث می شود هفتاد سال در جهنم سقوط کند.

پنهان شدن ليله القدر:

در حدیثی پیامبر ﷺ می‌فرماید: ای مردم شب قدر را به من نشان دادند و از خانه بیرون آمدم تا آن را به مردم اعلام کنم، دو مرد آمدند و با صدای بلند باهم مشاجره می‌کردند و شیطان همراه آن‌ها بود، و مشاهده آن‌ها باعث گردید ليله القدر را فراموش کنم.^۱

و شب قدر بخاطر شوم بودن گناه - مشاجره - آن دو نفر پنهان گردید و از خیر بزرگی محروم شدیم، و کسی نمی‌داند شب قدر در چه شبی از شب‌های رمضان است.

شتر نفرین شده:

عمران بن حصین رضی الله عنه می‌گوید: پیامبر ﷺ در مسافرتی، زن انصاری را سوار بر شتری دید، آن زن خشمگین شد و شتر را لعن و نفرین کرد، پیامبر ﷺ آن را شنید و گفت: «آن زن را از شتر پائین بیاورید و شتر را رها کنید، چون نفرین شده است». عمران می‌گوید پس از آن شتر را می‌دیدم در بین مردم می‌گشت و کسی به آن کاری نداشت.^۲

بخاطر شومی معصیت آن شتر تا هلاکت رها گردید! و انسان هر چیزی را نفرین کند - پناه به خدا - بر آن قیاس می‌شود.

دعای پیامبر ﷺ علیه طائفه مضر:

پیامبر ﷺ فرمود: «خدایا بر مضر سخت گیر، و بر آن‌ها خشکسالی مانند دوران یوسف علیه السلام بیاور، در نتیجه قحطی و خشکسالی سختی به مدت

^۱ - مختصر صحیح مسلم، تألیف منذری، با تحقیق البانی، «شماره حدیث ۶۳۷، ص: ۱۷۰».

^۲ - مختصر صحیح مسلم، تألیف منذری، «ص: ۴۸۰-۴۸۱، شماره حدیث ۱۸۲۰».

هفت سال آن‌ها را فرا گرفت تا جای که با شومی معصیت و دعای پیامبر ﷺ از گرسنگی قدید (گوشت خشک کرده و نمک سود) و استخوان می‌خوردند، و آن قحطی پیامبر ﷺ و اصحاب ﷺ را نیز فرا گرفت، و با دعای پیامبر ﷺ، مجازات همه را فرا گرفت تا جایی که از گرسنگی سنگ را بر شکم می‌بستند.^۱

محروم بودن از باران:

ابوهریره رضی الله عنه می‌گوید: (هوبره «نوعی پرنده» از ظلم ستمگر در لانه‌اش می‌میرد). مجاهد رضی الله عنه می‌گوید: (زمانی که باران قطع شود و خشکسالی باشد چهارپایان آدم‌های گناهکار را نفرین می‌کنند، و می‌گویند این بخاطر شومی گناه انسان است)، عکرمه رضی الله عنه می‌گوید: (حیوانات و حشرات حتی سوسک و عقرب‌ها می‌گویند: بخاطر گناه انسان‌ها از باران منع شده‌ایم)^۲. انس بن مالک می‌گوید: (سوسمار در لانه‌اش بخاطر گناه انسان از لاغری می‌میرد)^۳.

ابن قیم می‌گوید: کیفر گناه خاتمه نمی‌یابد تا بی‌گناه را نیز فراگیرد!^۴

مجازات خداوند نیکوکار و بدکار را فرامی‌گیرد:

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَاتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً﴾ [الأنفال: ۲۵].

^۱ - تأویل مشکل الحدیث، تألیف ابن قتیبه، «ص: ۲۳۳».

^۲ - جواب الکافی، تألیف ابن قیم، «ص: ۱۶».

^۳ - تأویل مشکل الحدیث، تألیف ابن قتیبه، «ص: ۲۳۳».

^۴ - جواب الکافی، تألیف ابن قیم، «ص: ۱۶» (مراد از بی‌گناه: حیوانات و حشرات است).

«و از فتنه‌ای پرهیزید که تنها به ستمکاران شما نمی‌رسد؛ (بلکه همه را فرا خواهد گرفت؛ چرا که دیگران سکوت اختیار کردند)».

زینب رضی الله عنها می‌گوید: «ای پیامبر صلی الله علیه و آله آیا با وجود اینکه صالحان میان ما هستند نابود می‌شویم؟ فرمودند: آری اگر بدی و شرارت زیاد شود».

خداوند قوم نوح علیهم السلام را همگی اعم از کودکان و حیوانات بخاطر گناه مکلفان غرق کرد، و قوم عاد را با باد صرصر، و قوم ثمود را با صاعقه، و قوم لوط را با سنگ، نابود و هلاک کرد، و اصحاب السبت را به میمون و خوک مسخ کرد، و فرزندان آن‌ها را نیز فراگرفت، اگر کسی بگوید چگونه خداوند بخاطر ستم گروهی همگی را مجازات می‌کند در حالی که می‌فرماید: ﴿وَمَا أَنَا بِظَلَمٍ لِّلْعَبِيدِ﴾ [ق: ۲۹].

«و من هرگز به بندگان ستم نخواهم کرد».

در پاسخ، سخن - ایاس بن معاویه را نقل می‌کنیم که می‌گوید: از برخی علماء پرسیدم ظلم در کلام عرب یعنی چه؟ گفتند از کسی چیزی بگیرد که حق او نیست، گفتم پس هر چیزی از آن خداوند است، سپس انسان‌ها را بر نیت‌شان زنده می‌گرداند^۱.

گفته پیامبر صلی الله علیه و آله به صحابه: «از اینجا برخیزید»:

ابن عباس رضی الله عنهما می‌گوید: (به هنگام احضار مرگ پیامبر صلی الله علیه و آله برخی صحابه از جمله عمر بن خطاب رضی الله عنه نزد پیامبر صلی الله علیه و آله بودند، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «کاغذ و قلم را بیاورید تا چیزی را برایتان بنویسم تا پس از من هرگز گمراه نشوید». عمر رضی الله عنه گفت: «ناراحتی پیامبر صلی الله علیه و آله زیاد شده است و

^۱ - تأویل مشکل الحدیث، تألیف ابن قتیبه، (ص: ۲۳۶)».

قرآن در نزد شماست، و قرآن برای ما کافی است و پیامبر را اذیت نکنیم^۱». حاضرین صدای شان را بلند کردند و با هم مشاجره کردند، برخی گفتند: نزدیک شوید تا پیامبر ﷺ چیزی را برای شما بنویسد که هرگز گمراه نشوید! و برخی دیگر مانند عمر فکر می کردند، وقتی که اختلاف و مشاجره زیاد شد پیامبر ﷺ فرمود: «از اینجا برخیزید و بیرون روید»^۲.

عبدالله می گوید: ابن عباس رضی الله عنهما گفت: (بدبختی، چه بدبختی بزرگی بخاطر اختلاف و مشاجره و تنازع از نوشته پیامبر ﷺ محروم شدیم)^۳. در حدیث آمده است: که اختلاف باعث محرومیت از خیر و برکت می شود.

و این برخی از آثار شوم بودن گناه بر امت محمد ﷺ بود.



^۱ - عمر این سخن را بخاطر این گفت: چون به نظر وی امر برای وجود نبود بلکه از باب ارشاد به اصلح بود و بخاطر این بود که پیامبر ﷺ اذیت نشود و فرموده قرآن: ﴿مَا فَرَقْنَا فِي الْأَكْتَابِ مِنْ شَيْءٍ ۚ﴾ [الأَنْعَام: ۳۸]. «ما هیچ چیز را در این کتاب، فرو گذار نکردیم». را در ذهن داشت. و هرکس گمان کند که عمر رضی الله عنه مانع نوشته رسول الله ﷺ شده است، خداوند را به ناتوانی، و پیامبر را به تقصیر و کوتاهی در تبلیغ متهم و توصیف کرده است، بلکه چنانکه اهل علم گفته اند دین خداوند کامل است و این امر فقط برای تأکید و راهنمایی و ارشاد بوده است.

^۲ - صحیح بخاری، «۱۱۴، ۴۴۳۲، ۵۶۶۹، ۷۳۶۶»، صحیح مسلم، «۱۶۳۷، (۲۲)».

^۳ - کتاب الطب، تألیف امام نسائی، «ص: ۴۴» با تحقیق سامی تونی.

فصل چهارم:

کارهای بسیار خطرناکی که انسان متوجه آن نمی‌شود،

بسیار شوم و زود رخ خواهد داد

نافرمانی پدر و مادر و قطع خویشاوندی:

پیامبر ﷺ می‌فرماید: (به پدر و مادر نیکی کنید، فرزندانان به شما نیکی می‌کنند).^۱

عیسی بن مریم عَلَيْهِ السَّلَام می‌گوید: (خوشا به حال مسلمان، خوشا به حالش، چگونه پروردگار فرزندانش را پس از وی محفوظ می‌دارد).^۲

انس بن مالک رضی الله عنه روایت می‌کند که پیامبر ﷺ فرمودند: «هرکس دوست دارد روزیش فراوان، و عمرش طولانی باشد، صله رحم «خویشاوندی» را قطع نکند».^۳

این درباره کسی است که به پدر و مادر نیکی کند و صله رحم را برقرار نماید، اما کسی که نافرمانی پدر و مادر نماید و قطع خویشاوندی کند، وای بر وی، وای، بدی جوازش بدی است، چون هر کسی انگور بکارد انگور درو می‌کند، و هر کسی خار بکارد خار درو می‌کند، و هر طور رفتار کنید همان در زندگی به سراغت می‌آید، تا جای که گفته‌اند: «نیکی کردن به پدر و مادر

^۱ - النوافخ العطرة، تألیف صفدی، (ص: ۸۶).

^۲ - کتاب الزهد، تألیف امام احمد، (ص: ۷۲).

^۳ - مختصر صحیح مسلم، «ص: ۴۷۰، شماره حدیث ۱۷۶۲»، تألیف منذری، با تحقیق البانی.

به فرزندان می‌رسد»^۱.

ابوهریره رضی الله عنه از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت می‌کند که فرمودند: (هنگامی که خداوند تمام خلایق را آفرید، «رحم» برخاست و گفت: این مقامی است که از قطع آن «رحم» به تو پناه برده می‌شود، خداوند فرمودند: آری، آیا راضی می‌شوید هر کسی تو را وصل کند وصلش کنم؟ و هر کسی تو را قطع کند قطعش کنم؟ گفت: آری، خداوند گفت: این حق توست)^۲.

ابن جوزی رحمته الله می‌گوید: (یکی از اذیت‌کنندگان پدر و مادر، روزی پدرش را کتک زد و تا جای او را روی زمین کشید، پدرش به او گفت: کافست، تا اینجا پدرم را روی زمین کشیده‌ام!)^۳.

تعجب نکنید اگر بسیاری از اذیت‌کنندگان پدر و مادر در عاقبت گمراه می‌شوند، چون این‌ها بدهکاری خود با رفتار بد پدر و مادر را بر می‌گردانند، و این فرموده خداوند را فراموش کرده‌اند: ﴿مَا يَلْفُظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ﴾ [ق: ۱۸].

«انسان هیچ سخنی را بر زبان نمی‌آورد مگر اینکه همان دم، فرشته‌ای مراقب و آماده برای انجام ماموریت (و ضبط آن) است».

و این بخاطر شومی گناه است.

زنا کردن و مقدمات آن:

هر کسی - پناه به خدا - زنا کند یا برخی از مقدمات آن مانند عشق‌بازی و چشم‌کزنی انجام دهد، آثار شوم آن، خانواده و همسر و خواهر

^۱ - فرموده پروردگار: ﴿وَكَانَ أَبُوهُمَا صَالِحًا﴾ [الکهف: ۸۲]، بر آن دلالت می‌کند.

^۲ - مختصر صحیح مسلم، تألیف منذری، «ص: ۴۷۱» حدیث (۱۷۶۴).

^۳ - صید الخاطر، تألیف ابن جوزی، «ص: ۳۹۱».

و مادر و دخترانش را فرامی گیرد، خداوند می فرماید: ﴿وَلَا تَقْرُبُوا الزَّيْنَىٰ ۖ إِنَّهُوَ كَانَ فَحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا﴾ [الإسراء: ۳۲].

«و نزدیک زنا نشوید، که کار بسیار زشت، و بد راهی است».

در کلمه ﴿وَلَا تَقْرُبُوا﴾ فکر کنید، خدا نفرموده است: (ولا تقتربوا) تا جای که مقدمات زنا نیز عذاب بازدارنده‌ای داشته باشد، و این طرفی از شومی گناه زنا است.

و طرف دیگر آن با هم این حدیث شگفت‌انگیز را بخوانیم: عبدالله بن عمر بن خطاب رضی الله عنهما می گوید: با نه نفر از مهاجرین نشسته بودیم ناگاه پیامبر صلی الله علیه و آله رو به ما کرد و فرمود: «ای جماعت مهاجرین به خداوند پناه می‌برم که پنج خصلت هست شما را فرانگیرد^۱: زنا و فحشاء در بین هر ملتی علنی و آشکارا شود به طاعون و خشکسالی گرفتار می‌شوند که در گذشتگان سابقه نداشته است و غیره^۲». این حدیث بیماری‌های ناشی از بی‌اخلاقی و انحرافات جنسی را بیان می‌کند، و این بیماری‌ها دارای صفاتی هستند، در هیچ بیماری دیگری یافت نمی‌شود به شیوه‌ای که نشان می‌دهد این بیماری‌ها - پناه به خدا - مجازاتی الهی هستند.

از جمله آن مجازات‌ها:

۱- از بین رفتن قدرت طبیعی:

هنگامی که انسان به بیماری میکروبی مانند حصبه مبتلا می‌شود، و دارو برای وی تجویز شود، داروی ضد آن به خواست خدا باکتری آن را از بین می‌برد، ولی در بیماری‌های جنسی برعکس است، چون به محض بهبودی

^۱ - سنن ابن ماجه، «شماره ۴۰۱۹»، کتاب الحلیة، تألیف ابونعیم، «ص: ۳۳۳/۸»
الأحادیث الصحیحة البانی شماره ۱۰۶.

^۲ - کتاب امراض الجنسیة عقوبة الهیة، تألیف دکتر عبدالحمید القضاة، ص «۱۳».

شخص از یک بیماری به دیگری مبتلا می‌شود.

۲- واگیر است:

باکتری بیماری‌های جنسی فقط دچار انسان و بر بدن وی زیست می‌کند، و در بدن حیوان زیست نمی‌کند، و بیشتر از طریق آمیزش جنسی انتقال می‌یابد، و گاهی از طریق آمپول و خون و آب دهان نیز انتقال می‌یابد، و این آثار شوم زناست!

۳- ویروس سفلیس، تمام دانشمندان جهان را متحیر کرده است:

بیشتر بیماری‌های واگیر قابل علاج و کشت در آزمایشگاه و بررسی و تحقیق هستند، اما ویروس بیماری‌های جنسی مانند ویروس زگیل جنسی و سفلیس غیر قابل علاج و کشت در آزمایشگاه است، و بخصوص جز موارد نادری از آن شناخته شده نیست. و پیچیدگی که در انواع این میکروب‌ها وجود دارد و همه از آن بی‌خبرند نشان دهنده آن است که مجازات الهی هستند: ﴿جُنُودُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾ [الفتح: ۴].

«لشکریان آسمان‌ها و زمین (لشکرهای حسی، لشکرهای معنوی و لشکرهای غیبی - اعم از فرشتگان، انسیان، جنیان، شیاطین و فرود آوردن آرامش روحی بر مؤمنان -) از آن خداست».

۴- قدرت استثنائی:

ویروس بیماری‌های آمیزشی خاصیتی دارد که در دیگر بیماری‌ها یافت نمی‌شود، برای نمونه ویروس سفلیس که بصورت ماریچ و دارای دو نوک تیز است، در جهت ورود به جسم انسان قدرت شگفت‌انگیزی در سوراخ کردن اعضای تناسلی و جسم دارا می‌باشد، هنگامی که جسم سالم موادی روغنی را بعنوان مانعی طبیعی داراست و از ورود غبار و میکروب به بدن جلوگیری می‌کند و جسم را از میکروب‌ها مصون می‌دارد، میکروب‌ها از طریقی دیگر مانند دستگاه تنفسی و معده و روده‌ها همراه با تنفس و آب و

غذا وارد بدن می‌شوند، ولیکن این موانع طبیعی جسم در برابر ویروس سفلیس ناکام است.

۵- کثرت و فراوانی:

آمیزش جنسی نامشروع گرچه یک بار هم باشد ممکن است منجر به سرایت و شیوع انواع بیماری‌ها شود، گاهی در یک دفعه احتمال دارد به پنج نوع بیماری برسد.

۶- پیشگیری:

علم پزشکی واکسن بیشتر بیماری‌های واگیر و مسری را کشف کرده است، اما بیماری‌های جنسی غیر قابل علاج است!

۷- انتشار متعدد:

کاری طبیعی است که بیماری‌های واگیردار از شخصی به شخصی دیگر در صورتی انتقال می‌یابد که مسبب آن وجود داشته باشد، ولیکن بیماری‌های آمیزشی از شخصی به دیگران بدون سبب انتقال می‌یابد، برای نمونه کسی که بیماری سفلیس دارد - پناه به خدا - این بیماری به فرزندان از نظر خلقتی و در ضمن ولادت سرایت می‌کند، و همچنین شکنجه و آزار مادر و جنین را چند برابر می‌کند، و کسی که بیماری سوزاک دارد چشمان فرزندش را آنچنان می‌سوزاند تا کورش می‌کند.

۸- بیماری ایذر:

بیماری که مشهور به «از دست دادن بنیه جسمی» است، ایذر ویروسی است به سلول‌ها هجوم می‌برد و باعث سست شدن بنیه جسمی و ابتلا به انواع باکتری و انگل‌ها می‌شود و غده لنفاوی در دو طرف جسم ضخیم می‌کند، و همراه با آن وزن بدن کاهش می‌یابد، و لکه‌های قرمزی مانند خون‌مردگی در بدن پیدا می‌شود، و هفته‌ها به اسهال و سرفه شدید و تنگی نفس همراه با فراموشی و سستی و ضعف بدن و التهاب سینه و تب و عرق

دائمی و سرطان پوستی مبتلا می‌شود.

عامل بیماری ایدز: آمیزش جنسی نامشروع، و گاهی هم جنس‌بازی، تزریق مخدرات، انتقال خون، از طریق جنین یا تزریق، یا شیردهی از طریق دهان می‌باشد، قرآن می‌فرماید: ﴿إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَنَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَءَاتَاهُمْ كُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ﴾ ﴿یس: ۱۲﴾.

«به یقین ما مردگان را زنده می‌کنیم و آنچه را از پیش فرستاده‌اند و تمام آثار آن‌ها را می‌نویسیم؛ و همه چیز را در کتاب آشکار کننده‌ای برشمرده‌ایم».

ایدز^۱ کیفری الهی است هزاران هزار نفر را نابود کرده است، و تا امروزه علم پزشکی راه علاجی برای آن نیافته است، بدون تردید این آثار شوم گناه است تا جای که انسان بی‌گناه نیز از طریق انتقال خون به آن مبتلا شده است!

بلاء موکل به سخن است:

پیامبر ﷺ می‌فرماید: «از بدبختی و گناه دیگران مسرور مباش و به

^۱ - و از بیماری‌های نابودکننده: (سرطان، سکنه، خراب شدن کلیه، و می‌باشد، در واقع اگر رحمت پروردگار شامل مبتلا به سرطان نشود حکم به اعدام است، و عوامل آن: اشعه و آثار مخرب کارخانه‌ها و سوء تغذیه و عادات ناپسند و انحرافات و از همه مهم‌تر شومی گناه است، خداوند می‌فرماید: ﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ ءَامَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾ ﴿الاعراف: ۹۶﴾. «و اگر اهل شهرها و آبادی‌ها، ایمان می‌آوردند و تقوا پیشه می‌کردند، برکات آسمان و زمین را بر آن‌ها می‌گشودیم؛ ولی (آن‌ها حق را) تکذیب کردند؛ ما هم آنان را به کیفر اعمال‌شان مجازات کردیم». کتاب الطب محراب الإیمان، تألیف دکتر خالص حلبی، (ص: ۱۲۴)».

قیافه و حرکات و سخنان دیگران مسخره نکن، شاید خداوند به او رحم کند و شفایش دهد و تو گرفتار و مبتلا کنی^۱، و این بسیار مهم است شاید بسیاری به آن توجه نکنند، در روایت آمده: (هر کسی برادرش را بخاطر گناهی ناسزا گوید وفات نمی کند تا آن گناه را انجام دهد) ترمذی.

امام احمد رحمته الله می فرماید: از حسن رحمته الله شنیدم فرمود: (هر کسی برادرش را به گناهی که از آن توبه کرده است ناسزا گوید، خداوند او را به آن می آزماید)^۲.

ابن سیرین رحمته الله می گوید: «مردی را بخاطر ورشکستگی مسخره کردم، پس از آن خودم ورشکسته شدم!».

ابن جوزی رحمته الله می گوید: «شخصی گفت: مردی را بخاطر افتادن چند تا دندانش مسخره کردم، پس از آن دندان هایم افتاد!»^۳.

از برخی سلف نقل شده: (اگر به سگی ناسزا گویم می ترسم به سگ تبدیل شوم).

به خدا سوگند این نتیجه آشکار و واضح ناسزاگویی و مسخره کردن، یا در مسخره کننده، یا در فرزندان او است، و همه این ها به خاطر آثار شوم گناه است، و جز این دعا هیچ چیزی این بلا را دور نمی کند: (الحمد لله الذي عافاني مما ابتلاك به وفضلني على كثير ممن خلق تفضيلاً). پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید: (هرکسی این دعا را بخواند آن بلا او را فرامی گیرد)^۴.

^۱ - ترمذی و طبرانی، کتاب تمییز الطیب من الخبیث، عبدالرحمن اثری، «ص: ۱۷۱»، الأذکار، تألیف امام نووی، «ص: ۵۴۲».

^۲ - کتاب الزهد، تألیف امام احمد، «ص: ۳۴۲».

^۳ - کتاب صید الخاطر، تألیف ابن جوزی، «ص: ۳۹۱».

^۴ - الفوائد، «ص ۲۵۷»، تألیف ابن قیم، سیر أعلام النبء، «(۱/۴۹۶)».

لعنت و آثار شوم آن:

لعنت و نفرین نکته بارز در بیشتر سخنان مردم است، و از بلاهای است که شمولیت پیدا کرده است، و این تأیید و مصداق این حدیث است که از پیامبر ﷺ پرسیدند: (سقارین) کی هستند؟ فرمودند: «مردمانی هستند که در آخر زمان وقتی که به هم می‌رسند به جای سلام کردن یکدیگر را لعنت و نفرین می‌کنند»^۱.

به آثار شوم گناه در این حدیث بنگرید، ابودرداء روایت می‌کند پیامبر ﷺ فرمودند: «اگر کسی چیزی را نفرین نماید این نفرین به آسمان بالا می‌رود، درهای آسمان بر رویش بسته می‌شود، سپس به زمین باز می‌گردد، درهای زمین نیز بسته می‌شود، سپس به راست و چپ می‌رود، و چون جای را نمی‌یابد به کسی که نفرین شده - اگر مستحق آن باشد - برمی‌گردد و گرنه به گوینده آن برمی‌گردد»^۲.

و آثار شوم این گناه منجر به محرومیت شخص از شهادت دادن و شفاعت کردن می‌شود، ابودرداء رضی الله عنه روایت می‌کند پیامبر ﷺ فرمودند: (لعنت کنندگان نباید بعنوان شفاعت کننده و شاهد پذیرفته شوند)^۳.

شوم بودن گناه لعن شامل غیر عاقل نیز می‌شود، ابن عباس رضی الله عنهما روایت می‌کند: مردی باد را لعن و نفرین کرد، پیامبر ﷺ فرمود: «باد را لعن مکن، باد مأمور است. زیرا هر کسی چیزی را لعن کند و آن چیز

^۱ - أحمد، الطبرانی، الحاكم. ونگا: مجموع أخبار آخر زمان، «ص: ۱۲۹»، تألیف مشعلی.

^۲ - سنن أبی داود، با تحقیق البانی، «شماره حدیث ۴۹۰۵».

^۳ - روایت مسلم و أبوداود. صحیح سنن أبی داود، با تحقیق البانی، «شماره حدیث

مستحق لعن نباشد به گوینده برمی‌گردد»^۱.

و از بزرگ‌ترین گناهان: لعن غیرمستقیم پدر و مادر است، چنانچه پیامبر ﷺ می‌فرماید: «کسی که به پدر کسی ناسزا می‌گوید او نیز پدر او را ناسزا می‌گوید، و به مادر کسی ناسزا می‌گوید او نیز به مادرش ناسزا می‌گوید»^۲، و نسبت دادن فسق و کفر به مسلمان نیز بر لعن قیاس می‌شود.^۳

وسواس بودن:

عامل وسوسه آثار شوم گناهان پیشین است، هنگامی که کسی از گناهان توبه می‌کند شیطان به نزد او می‌آید و فریض می‌دهد و گناهان گذشته را به یادش می‌آورد تا از رحمت خدا مأیوس شود، و زمانی که مؤمن هتک حرمت پروردگار نکرده باشد شیطان نمی‌تواند او را وسوسه کند، چنانچه علی بن ابیطالب علیه السلام می‌گوید: «هیچ بلائی جز با گناه فرود نمی‌آید و هیچ بلائی جز با توبه برداشته نمی‌شود»^۴ و در قرآن می‌فرماید: ﴿وَمَا أَصَابَكُمْ مِّنْ مُّصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ﴾ [الشوری: ۳۰].

«هر مصیبتی به شما رسد بخاطر اعمالی است که انجام داده‌اید، و بسیاری را نیز عفو می‌کند».

^۱ - مختصر صحیح سنن ابی داود، با تحقیق البانی ۹۲۷/۳، «شماره حدیث ۴۱۰۱».

^۲ - مختصر صحیح بخاری، زبیدی، «ص: ۴۶۶، شماره حدیث ۳۰۰۷».

^۳ - مختصر صحیح بخاری، «ص: ۴۶۹، شماره حدیث ۲۰۳۰»، در حدیث آمده «لا یرمی رجل رجلاً بالفسوق، و لا یرمیه بالكفر إلاّ ارتدت علیه ان لم یکن صاحبه كذلك». «هرکس، فرد دیگری را متهم به فسق یا کفر کند و او اینگونه نباشد فسق و کفر، به خودش بر می‌گردد».

^۴ - الفوائد، ابن قیم «ص: ۱۰۶».

و جمله آن: این حدیث شگفت است: وهب بن منبه می‌گوید: خدای متعال - در ضمن آنچه به بنی اسرائیل فرموده - می‌فرماید: (هنگامی که اطاعت شوم خشنود خواهم شد، و اگر خشنود شوم رحمت و برکت نازل می‌کنم، و و برکات من نهایی ندارد، و اگر نافرمانی شوم عصبانی می‌شوم، و اگر عصبانی شوم نفرین می‌کنم، و نفرین من به هفتمین نسل گناهکار می‌رسد).^۱

و این حدیث مخالف این آیه قرآنی نیست: ﴿وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ﴾ [الزمر: ۷].

«و هیچ گناهکاری گناه دیگری را بر دوش نمی‌کشد». چون انسان بواسطه عاقبت شوم گناهِش دوستان ناباب و راه معصیت و گمراهی را برای فرزندان و نوادگانش هموار می‌سازد، و در نتیجه حمایت و محافظت و پشتیبانی پروردگار شامل نوادگانش نمی‌شود: ﴿وَكَانَ أَبُوهُمَا صَالِحًا﴾ [الکهف: ۸۲].

«و پدرشان مرد صالحی بود».

امان! امان از هر گناهی، چون شوم و نحسی گناه به هفتمین نسل انسان می‌رسد.



^۱ - الزهد، امام احمد، «ص: ۶۹».

فصل پنجم:

آثار گناهان بر انسان

گناهان آثار ناپسند و مذمومی بر دل و جسم در دنیا و آخرت دارد، به جز خداوند کسی تعداد آن را نمی‌داند و از جمله آن:^۱

۱- محرومیت از علم: چون علم نوری است خداوند آن را در دل روشن کرده است، و گناه آن را خاموش می‌کند.

۲- تنهایی است که شخص گناهکار در دل میان خود و پروردگار ملاحظه می‌کند و اصلاً همراه با لذتی نیست.

۳- تنهایی است که عاصی در بین خود و مردم بخصوص صالحان و نیکوکاران احساس می‌کند.

۴- دشواری کار: به هر دری می‌زند بر رویش بسته است یا با دشواری روبرو است.

۵- تاریکی است که در دل احساس می‌کند، و دل و جانش با آن ناتوان می‌شود، و او را از اطاعت محروم می‌کند.

۶- گناهان عمر انسان را کوتاه می‌کند، و «پناه به خدا» برکت عمر را تا ابد محو می‌کند.

۷- گناهان تولید مثل می‌کنند، و برخی گناه دیگری را می‌رویند، تا جای که بر انسان فایق می‌آید و انسان نمی‌تواند از آن جدا شود.

۸- از ترسناک‌ترین اثر گناه بر انسان: این است اراده قلبی را سست می‌کند و گناه برتری می‌یابد و توبه کردن سست می‌شود.

^۱ - جواب الکافی، ابن قیّم، «ص: ۵۴ تا ۱۰۷».

۹- دل و درونش با گناه خو می‌گیرد، به شیوه‌ای که گناه برایش عادی می‌شود و به گناه افتخار نموده و از آن دوری نمی‌کند.

۱۰- شعله غیرت در دل را خاموش می‌کند، و حیا - اکسیر حیات دل - را از بین می‌برد.

۱۱- انسان را مورد نفرین پیامبر ﷺ قرار می‌دهد.

۱۲- محروم بودن گناهکار از دعای پیامبر ﷺ و ملائکه کرام که برای مؤمنان طلب آمرزش می‌کنند.

گناه باعث می‌شود تا پروردگار بنده‌اش را فراموش کند، و این فراموشی هلاکت است: ﴿وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ أُولَٰئِكَ هُمُ الْفٰسِقُونَ﴾ [الحشر: ۱۹].

«و همچون کسانی نباشید که خدا را فراموش کردند، (فرمان‌های او را ترک کردند، یا از او نترسیدند) و خدا نیز آن‌ها را به خود فراموشی گرفتار کرد (به سبب این که خدا را در آسوده حالی و نعمت فراموش کردند او نیز آنان را در سختی‌ها دچار خودفراموشی گردانید)، آن‌ها فاسقانند».

اگر گناهان زیاد شود بر دل عاصی نقش می‌بندد، و جزو غافلان می‌شود:

﴿كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَىٰ قُلُوبِهِم مَّا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾ [المطففين: ۱۴].

«چنین نیست که آن‌ها می‌پندارند، بلکه اعمال‌شان چون زنگاری بر دل‌هاشان نشسته».

۱۳- و از کیفر گناهان: ترس و وحشتی است که خداوند در دل گناهکار قرار می‌دهد، چون فرمانبرداری قلعه محکم پروردگار است.

۱۴- انسان را در هنگام سختی و سیه‌روزی هراسان می‌کند، و بخصوص در هنگام مرگ عاقبت شوم دارد.^۱

^۱ - الفوائد، تألیف ابن قیم، «ص: ۱۵۲، ۱۵۱».

آثار ترک گناهان در دنیا:

ابن قیم می‌گوید^۱: (برخی از آثار ترک گناه عبارتند از: زنده شدن مردانگی، حفظ ناموس، حفظ شخصیت و مقام، حفظ ثروت «خداوند ثروت را پایه مصلحت دنیا و آخرت قرار داده است»، محبت مردم، زندگی شایسته، آسایش جسمی، دل‌خوشی، آسودگی خاطر، دغدغه نبودن، بی‌خیالی از وحشت فاسقان و فاجران، فقدان غم و غصه، اطمینان دل از نبود ذلت، محافظت کردن روشنائی دل از نابودی تاریکی گناه، فزونی روزی به شیوه‌ای که قابل شمارش نیست، آسان بودن آنچه که بر فاسقان و گناهکاران سخت است، آسان بودن عبادات، آسان بودن یادگیری، نام نیکو در بین مردم، دعای خیر مردم برای وی، شیرینی و حلاوت در چهره، وقار و عظمت در دل مردم، مردم او را یاری می‌کنند، اگر اذیت شود یا مورد ظلم قرار گیرد مردم از او حمایت می‌کنند، و اگر کسی او را غیبت کند مردم از او دفاع می‌کنند، دعایش زود اجابت می‌شود، از بین رفتن وحشتی که در بین او و خداوند بوده است، نزدیکی فرشتگان به وی، دور شدن شیاطین جن و انسان از وی، رقابت مردم باهم در خدمت‌رسانی به او، و تقاضای مردم به نزدیکی و محبت وی، نهراسیدن از مرگ، بلکه با فرارسیدن مرگ خوشحال می‌شود چون به حضور و دیدار پروردگار می‌رسد، حقارت دنیا در درونش، عظمت آخرت در نزدش، حرص بر یافتن مقام شایسته و سرافرازی بزرگ در آخرت، چشیدن شیرینی عبادت، احساس شیرینی ایمان، دعای حاملان عرش و فرشتگان اطراف آن برای وی، خوشحالی کاتبان کردار او، و دعای خیر برای وی در هر حالی، افزایش در عقل و فهم و ایمان و شناخت وی، بدست آوردن محبت خداوند، توجه پروردگار به او، و خوشحالی

^۱ - الفوائد، ابن قیم ص ۱۵۱-۱۵۲.

پروردگار به توبه و بازگشت وی).

آثار ترک گناهان به هنگام مرگ:

فرشتگان به هنگام مرگ او را ملاقات نموده به او مژده می‌دهند که خداوند بهشت را برای او آماده کرده است، و می‌گویند غمگین و محزون مباش، و از زندان و تنگنای دنیا به باغی از باغ‌های بهشت انتقال می‌یابد و تا روز قیامت در آنجا در ناز و نعمت باقی می‌ماند.

آثار ترک گناهان در روز قیامت

هنگامی که روز قیامت می‌آید گرما و عرق مردم را فرامی‌گیرد، در حالی که آن شخص زیر سایه عرش قرار می‌گیرد و با اولیاء و متقین و رستگاران در دسته اصحاب الیمین قرار می‌گیرند: ﴿ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ﴾ [الجمعة: ۴].

«این فضل خداست که به هرکس خواهد (و شایسته بداند) می‌بخشد، و خداوند صاحب فضل عظیم است»^۱.

خوشا به حال کسی که گناه را ترک می‌کند، و چنانچه حسن بصری رحمته می‌گوید: (ای آدم‌ها گناه ترک کردن از توبه کردن آسان‌تر است)^۲.



^۱ - الفوائد، تألیف ابن قیم، «ص: ۱۵۲».

^۲ - الزهد، تألیف امام احمد، «۲/۲۴۲».

فصل ششم:

«توبه و شرایط آن»

توبه انسان با سه شرط پذیرفته می‌شود:

۱- ندم بر گناه.

۲- اقلاع از گناه.

۳- عزم بر بازنگشتن به گناه، و اگر توبه از حق دیگران باشد باید حق مردم را پس دهد، و باید توبه کردن پیش از فوت وقت و زمان باشد.

امام ابن قیم رحمته الله می‌گوید: (منظور از ندم: یعنی از گناهان پیشین پشیمان شود، و منظور از اقلاع: یعنی فوراً از گناه دوری کند، و منظور از عزم: یعنی تصمیم بگیرد در آینده باز نگردد^۱. پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «هر انسانی خطاکار است و بهترین خطاکاران کسی است که توبه می‌کند»^۲.

پس باید انسان فوراً اقدام به توبه نماید، امام غزالی رحمته الله می‌گوید: (چنانچه کسی که سمی بخورد و پشیمان شود باید فوراً اقدام به خارج کردن سم از معده کند، پس کسی که گناه «سموم دین» انجام می‌دهد شایسته‌تر است که فوراً از گناه دوری کند)^۳.

حسن بصری رحمته الله می‌گوید: (اهتمام انسان به گناه او را وادار به ترک گناه می‌کند، و پشیمانی از گناه کلید توبه است، و انسان همچنان به گناه اهتمام

۱- تهذیب مدارج السالکین، «ص: ۱۲۳».

۲- صحیح جامع صغیر، «۴۳۹۱». روایت أحمد در مسند، و ترمذی.

۳- إحياء علوم الدین، تألیف امام غزالی، «۴/۱۵۵».

می‌دهد تا جای که آن گناه از برخی نیکی‌ها برای او سودمندتر است)^۱.
بکر بن عبدالله المزنی رحمته الله علیه می‌گوید: (اعمال بنی‌آدم به آسمان بالا می‌رود، و اگر نامه عملی بالا رود و در آن استغفار باشد نامه اعمالش درخشان است، و اگر نامه عملی بالا رود و در آن استغفاری نباشد بصورت سیاه بالا می‌رود)^۲.

استغفار صفت مسلمان است، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید: «مؤمن به مانند خوشه گندمی می‌ماند یک بار راست می‌ایستد و یکبار خم می‌شود، و کافر به مانند برنجی ماند تا خمیدگی راست ایستاده است و از خود خبری ندارد»^۳.

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید: «ای مردم بسوی خدا بازگردید و توبه و استغفار کنید، من هر روزه یکصد بار توبه و استغفار می‌کنم»^۴. هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم - در حالی که پروردگار گناهان گذشته و آینده او را بخشیده و عفو کرده است - در روز صد بار استغفار می‌کند، پس ما که در باتلاق گناه غرق شده‌ایم باید چگونه باشیم؟

ملاحظه کن چقدر پروردگار به توبه بنده‌اش - در حالی که نفع و ضرری به او نمی‌رساند - خوشحال است، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید: «خدا از توبه بنده‌اش آنگاه که توبه می‌کند خوشحال‌تر از کسی است اگر در دشت فلاتی سوار بر شتری باشد، و شترش گم شود - در حالی که غذا و آب بر روی شتر باشد - و به دنبال آن بگردد و از آن مأیوس شود، و به کنار درختی می‌رود و

^۱ - ذم‌الیهوی، تألیف ابن جوزی، «ص: ۱۰۳».

^۲ - ذم‌الیهوی، تألیف ابن جوزی، «ص: ۱۷۴».

^۳ - صحیح الجامع الصغیر، «۵/۲۰».

^۴ - صحیح مسلم، «۲۷۰۲».

در سایه آن دراز کشیده و منتظر مرگ می‌شود، و ناگاه چشم را باز می‌کند شترش را می‌بیند، و افسار آن را می‌گیرد، و در نهایت خوشحالی می‌گوید: «خدایا تو بنده من هستی، و من خدای تو هستم، و از شدت خوشحالی اشتباه می‌کند»^۱.

پس واجب است انسان فوراً توبه نماید، چون تأخیر توبه ذاتاً احتیاج به توبه دارد، ابن قیم رحمته می‌گوید: «به ندرت این، به فکر توبه‌کننده برسد، بلکه می‌پندارد: اگر هر زمانی توبه کند، گناهی بر وی باقی نمی‌ماند، در حالی که توبه‌ی تأخیر از توبه، بر وی باقی می‌ماند»^۲.

شیخ الاسلام ابن تیمیه رحمته: می‌گوید: فکر در خاطره‌ای، یا مسأله‌ای، یا چیزی دیگر و یا مشکلی متوقف می‌شود و نمی‌توانم آن را بدانم، در این حال هزار مرتبه و یا بیشتر و یا کمتر استغفار می‌کنم تا اینکه سینه‌ام به این‌ها گشاده شود و مشکلم حل گردد، و ممکن است در این حال در بازار، یا مسجد، یا مدرسه، باشم، و هیچ چیز مانع نمی‌شود که ذکر و استغفار کنم تا مطلوبم را بیابم»^۳.

و ترسناک‌ترین چیز بر انسان هوای نفس است، چون شخص را بی‌خبر هلاک می‌کند. در حدیث آمده که ابلیس گفته است: بنی آدم را با گناه نابود می‌کنم، و آن‌ها مرا به استغفار و «لا إله الا الله» نابود می‌کنند، وقتی که درمانده و شکست خورده شدم هوی و هوس را در بین آن‌ها می‌گسترانم، و چون می‌پندارند کار نیک انجام می‌دهند در نتیجه توبه و استغفار نمی‌کنند. و آنچه آن‌ها را از توبه کردن منع کرد، چنانچه یحیی بن معاذ رحمته

^۱ - صحیح مسلم، «۲۷۴۷».

^۲ - تهذیب مدارج السالکین، تألیف ابن قیم، با تلخیص عبدالمنعم العزی، «ص: ۱۵۷».

^۳ - تهذیب مدارج السالکین، تألیف ابن قیم، با تلخیص عبدالمنعم العزی، «ص: ۱۵۷».

می‌گوید: (آرزوی طولانی است، و نشانه توبه‌کننده: ریختن اشک، و محبت گوشه‌نشینی، و محاسبه نفس در هر تصمیمی است).^۱

و اگر این نشانه وجود نداشته باشد استدراج است، عقبه بن نافع رضی الله عنه می‌گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «اگر کسی را دیدید که هر چه دوست داشت خداوند به او عطا می‌کند، و همچنان بر گناه باقی مانده، این نعمت‌ها استدراج است»^۲.

ابوموسی رضی الله عنه می‌گوید پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: (خداوند به ظالم مهلت می‌دهد تا او را می‌گیرد و اگر او را گرفت رهایش نمی‌کند، سپس این آیه را خواند: ﴿وَكَذَلِكَ أَخْذُ رَبِّكَ إِذَا أَخَذَ الْقُرْآنَ وَهِيَ ظَالِمَةٌ إِنَّ أَخْذَهُ أَلِيمٌ شَدِيدٌ﴾ [هود: ۱۰۲].

«و این چنین است مجازات پروردگار تو، هنگامی که شهرها و آبادی‌های ظالم را مجازات می‌کند! (آری،) مجازات او، دردناک و شدید است»^۳. پس لازم است توبه نصح برای تمام اعضا بدن باشد، محاسبی رحمته الله می‌گوید:

(توبه چشم: خودداری از نگریستن نامحرم).

(توبه گوش: از شنیدن حرام).

(توبه دست: خودداری از گرفتن حرام).

(توبه پاها: خودداری از رفتن به سوی حرام).

(توبه شرمگاه: حفظ شرمگاه از زنا).

(و بدین‌سان تمام اعضا حتی عقل نیز توبه دارد، و توبه آن فکر نکردن

^۱ - ذم‌الهی، تألیف ابن جوزی، «ص: ۱۷۴».

^۲ - صحیح جامع الصغیر، «۱/ ۵۷۵».

^۳ - الزهد، تألیف امام احمد، «ص: ۳۰».

حرام است، و زبان نیز توبه دارد، و توبه آن فرانخواندن به کردار زشت است)^۱.

گناهان مانع عبادت می‌شوند، چنانچه حسن بصری رحمته می‌گوید: (اگر توانائی شب‌بیداری و روزه‌داری نداشتنی بدانید که محروم هستید. حتماً خطا و گناهان تو را بند و زنجیر کرده‌اند)^۲.

عبدالله بن المبارک رحمته می‌گوید: (کسی که در تربیت نیکو سهل‌انگار باشد، به محروم بودن از سنت مجازات می‌شود، و کسی در رعایت سنت سهل‌انگار باشد، به محروم بودن از فرائض مجازات می‌شود، و کسی که به فرائض سهل‌انگار باشد، به محروم بودن از شناخت و معرفت مجازات می‌شود)^۳.

اگر عبادت انجام داده باشید گناهان تو را از لذتش محروم می‌کند، از وهب بن منبه رحمته پرسیدند: آیا کسی که گناه می‌کند لذت عبادت را احساس می‌کند؟ فرمود: (خیر^۴، حتی کسی که تصمیم به انجام گناه بگیرد نیز همینطور است).

امام احمد رحمته انسان را به هنگام گناه به کسی تشبیه می‌کند که در مرداب راه می‌رود، و با ترس قدم برمی‌دارد، ناگاه پایش فرود می‌رود، و غرق می‌شود، و به یارانش فرمود: (انسان همیشه به این صورت از گناه حذر می‌کند تا وقتی که در گناه افتاد، و اگر گرفتار گناه شد غرق می‌شود)^۵.

^۱ - التوبه، تألیف محاسبی، «ص: ۵۲».

^۲ - النوافخ العطره، تألیف صفدی، «ص: ۸۶».

^۳ - تذکرة السامع والمتکلم، تألیف کتانی، «ص: ۶۸».

^۴ - صید الخاطر، تألیف ابن جوزی، «ص: ۵۱».

^۵ - آداب الشرعیه، تألیف مقدسی، «ص: ۹۷/۱».

حذر! حذر! از گناهان صغیره، امام غزالی رحمته می گوید: (گناه کبیره‌ای که سپری شدنی باشد و به دنبال آن کبیره‌ای دیگری نیاید امید گذشت و عفو آن بیشتر از گناه صغیره‌ای است که انسان بر آن دوام داشته باشد، چون اگر آب بر سنگی بصورت قطرات همیشگی چکیده شود در آن اثر می‌گذارد، ولی اگر تمام آن قطره بصورت یک بار بر آن سنگ ریخته شود در آن اثری نمی‌گذارد)^۱، به همین سبب پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «بهترین اعمال بادوام‌ترین آن است هر چند هم ناچیز باشد»^۲.

ابن قیم رحمته می‌گوید: (اصرار بر گناه کردن، گناه است، و به فکر ترک گناه نباشد، رضایت و تکیه بر گناه و دوام بر آن محسوب می‌شود، و این نشانه هلاکت اوست)^۳.

و معنای اصرار در اینجا چنانچه محاسبی رحمته می‌گوید این است: (شیرینی گناه در دل باقی بماند)^۴.

ماوردی رحمته می‌گوید: (خندانی که به گناه اعتراف می‌کند بهتر از گریه‌کننده‌ای است که بر پروردگار بی‌پروا است، و گریه‌کننده‌ای که بر گناه خویش پشیمان است بهتر از خندانی است که اعتراف به لهو می‌کند)^۵.



^۱ - احیاء علوم الدین، غزالی، «ص: ۱۹۵/۴».

^۲ - صحیح بخاری، «ص: ۶۴۶۵».

^۳ - تهذیب مدارج السالکین، تألیف ابن قیم، با تخلص العزی، «ص: ۱۲۳».

^۴ - التوبه، تألیف محاسبی، «ص: ۵۵».

^۵ - ادب دنیا و دین، تألیف ماوردی، «ص: ۱۰۵».

فصل هفتم:

پاک‌کننده‌های گناه

آگاه باش - خدا به ما و شما و هر مسلمانی رحم کند - برای دور ساختن آثار شوم گناه - چنانچه قبلاً ذکر کردیم - توبه محض کافی نیست، بلکه پاک‌کننده‌های می‌خواهد تا بصورت کامل پاک شود، مانند پاک کردن ظرفی که سگ آن را نجس کرده است؛ پیامبر ﷺ می‌فرماید: «اگر سگ زبان خود را در ظرفی فروگرد (لیسید) آن را هفت بار بشوئید و برای بار هشتم آن را خاک آلود کنید»^۱.

ابن رجب می‌گوید: (موارد زیر گناه را پاک می‌کند:

توبه نصح: قرآن می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ

الْغَفُورُ الرَّحِيمُ﴾ [الزمر: ۵۳].

«خدا همه گناهان را می‌آمرزد، زیرا او بسیار آمرزنده و مهربان است».

۱ - استغفار: در حدیث آمده: «اگر شما گناه نکنید خداوند شما را از بین

می‌برد و کسانی را بجای شما می‌آورد تا گناه انجام دهند، سپس از

پروردگار طلب آمرزش کنند و پروردگار آن‌ها را عفو نماید»^۲.

حسنات محوکننده: قرآن کریم می‌فرماید: ﴿إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ

السَّيِّئَاتِ﴾ [هود: ۱۱۴].

«حسنات، سیئات (و آثار آن‌ها را) از بین می‌برند».

^۱ - مختصر صحیح مسلم، امام نووی، «شماره حدیث ۱۱۹، ص: ۴۱».

^۲ - مختصر صحیح مسلم، امام نووی، «شماره حدیث ۱۹۲۲، ص: ۵۱۱».

- و از جمله آن کار نیک و صدقه است.
- ۲- دعای مؤمن برای مؤمن: مانند طلب استغفار مؤمن برای مؤمن و نماز بر جنازه، تا برایش شفاعت کنند..
- ۳- شفاعت پیامبر ﷺ: در حدیث صحیحی پیامبر ﷺ می فرماید: «شفاعت من برای صاحبان کبیره از امتم است»^۱.
- ۴- مصیبت‌های که پاک‌کننده در دنیا هستند: «هیچ غم و مشکل و بیماری به کسی نمی‌رسد جز اینکه خداوند بواسطه آن گناهی از گناهان او را می‌آمزد»^۲. به شرطی که بر آن صبر داشته باشد.
- ۵- رحمت و عفو پروردگار: بدون سببی و انجام کاری از طرف بنده. ابن رجب می‌گوید: (هر کسی این هفت چیز را فراموش کند کسی را جز خویش سرزنش نکند)^۳.
- ۶- خاک ریختن قبر: شیخ ابن تیمیه رحمته الله علیه می‌گوید: (آنچه برای او از فتنه و فشار و ترس و سختی روز قیامت و ناراحتی در قبر رخ می‌دهد)^۴.

چگونه خود را از فکر گناه محافظت می‌کنید؟

- ابن قیم رحمته الله علیه می‌گوید^۵: موارد زیر شما را از فکر گناه محافظت می‌کند:
- ۱- یقین داشتن به اینکه خداوند آگاه و ناظر قلب و عمل و فکر شماست.
- ۲- حیاء و شرم از خدا.

^۱ - جامع الأصول، «(۴۷۶/۱۰)»، «شماره حدیث ۸۰۱۲».

^۲ - مختصر صحیح مسلم، «شماره حدیث، ص ۴۷۷».

^۳ - تسلية أهل المصائب، «ص: ۲۵۰».

^۴ - الايمان الاوسط، تألیف ابن تیمیه، «ص: ۲۹-۴۳».

^۵ - طریق الهمجرتین و باب السعادتین، تألیف ابن قیم، «ص: ۱۷۶، ۱۷۵».

- ۳- شرم از اینکه پروردگار در - خاکی که برای شناخت و معرفت خویش آفریده - فکر گناه را در آن از شما مشاهده کند.
- ۴- رس از اینکه چنین فکری تو را از توجه و چشم خدا دور کند.
- ۵- ترس از اینکه چنین فکری محبت غیر خدا را در قلب ایجاد کند.
- ۶- ترس از اینکه چنین فکری تولید مثل کند و شراره آن گسترده شود، و هر چه ایمان و محبت خدا در دل است را بسوزاند.
- ۷- دانستن این که: فکر گناه مانند دانه‌های گندمی است که صیاد برای صید پرندگان روی زمین پخش می‌کند.
- ۸- دانستن این که: فکر پلید با فکر ایمان در یک قلب جمع نمی‌شوند، مگر اینکه یکی بر دیگری غالب می‌شود.
- ۹- دانستن این که: چنین فکرهای دریائی از دریای خیال است و ساحلی ندارد، و اگر وارد قلب شد غوطه‌ور و غرق می‌شود.
- ۱۰- دانستن این که: چنین فکری دره احمقان و آرزوی جاهلان است، و برای صاحبش جز پشیمانی چیزی بدنبال ندارد.
- هنگامی که در چنین فکرهای - خدا نکرده - غرق شدی، به این قصه درباره انوشیروان - پادشاه فارس - گوش فرادهید:
- روزی انوشیروان به قصد شکار از شهر بیرون رفت و شتابان پیش رفت، و از لشکر دور شد، و سخت تشنه شد، و به باغی رسید و وارد باغ شد، و کودکی آنجا بود به او گفت: ای پسر اناری به من بده، اناری به او داد، و انار را باز کرد و دانه‌های آن را خارج و فشار داد، آب زیادی از آن خارج شد و نوشید، آن انار او را شگفت‌زده کرد، تصمیم گرفت باغ را از صاحب آن بگیرد، سپس به کودک گفت: انار دیگری بده، و اناری دیگر به او داد، انار را فشار داد، آب ناچیزی از آن بیرون آمد و آن را نوشید و مزه تلخی داشت! انوشیروان گفت: ای پسر چرا انار این طور است؟ گفت: شاید پادشاه مملکت

تصمیم به ظلم گرفته است و بخاطر شوم بودن ظلم انار این طور شده است، انوشیروان در دل از چنین تصمیمی پشیمان شد و توبه کرد، و به کودک گفت: انار دیگری بده، و اناری به او داد، انوشیروان مشاهده کرد که از انار نخستین بهتر است! گفت: ای پسر این چرا؟ گفت: شاید پادشاه مملکت توبه کرده باشد!

فخر رازی بر این قصه تعلیق گذاشته و گفته است: البته نام انوشیروان در دنیا به عدالت باقی مانده است حتی برخی از پیامبر ﷺ روایت می کنند که فرموده اند: «در زمان پادشاه عادل به دنیا آمده است»^۱.

امان! امان از گناه، بخصوص گناه خلوت نشینی، ثوبان ﷺ از پیامبر ﷺ روایت می کند که فرمودند: «برخی از امتم را می شناسم در روز قیامت اعمالی نیک مانند کوه های تهامه را با خود می آورند، خداوند آن را نابود می کند». ثوبان ﷺ گفت: یا رسول الله آن ها را معرفی کن؟ کی هستند؟ نکند ما از آن ها باشیم و بی خبریم، پیامبر ﷺ فرمود: «آن ها برادران شما و هم جنس شما هستند، و آنچه شما در آشکار انجام می دهید آن ها نیز انجام می دهند، ولی اگر در خلوت قرار می گیرند مرتکب گناه و معصیت می شوند»^۲.

ابودرداء رضی الله عنه می گوید پیامبر ﷺ فرمودند: (انسان باید از نفرین قلبی مؤمنان - در حالی که بی خبرست - بیمناک باشد! سپس گفت: آیا می دانید چه کسی؟ عرض کردم خیر، فرمود: انسان در خلوتگاه گناه انجام می دهد، پروردگار کینه او را - در حالی که بی خبر است - در دل مؤمنان قرار

^۱ - تفسیر رازی، (۱/۲۴۴).

^۲ - به روایت ابن ماجه، (ج ۲، شماره حدیث ۱۴۱۸).

می‌دهد).^۱

بدین سبب ابن جوزی رحمته می‌گوید: «آگاه باش: از جمله بزرگ‌ترین بدبختی‌ها گول خوردن به سلامتی پس از گناه است، چون کیفر واقع می‌شود، و از بزرگ‌ترین کیفر و مجازات این است که انسان بی‌خبر است: در حالیکه گناه در ریشه دین و دل‌ها اثرگذار است - پناه به خدا -».



^۱ - جواب الکافی، تألیف ابن قییم، «ص: ۴۷».

فصل هشتم:

کیفر و عقاب گناه - گرچه پس از مدتی هم باشد - واقع می‌شود:

تردیدی نیست که جزای عمل چه نیک، چه بد واقع خواهد شد، و از جمله گول خوردگی این است که گناهکار می‌پندارد چون مجازاتی ندیده آمرزیده شده است، و چه بسا مجازات پس از مدتی، یا در آخرت واقع می‌شود، و به ندرت کسی گناهی کرده باشد و مجازات نشده باشد، پس لازم است! انسان مواظب کیفر گناه باشد، چون به ندرت از آن رهایی می‌یابد، و باید فوراً اقدام به توبه نماید، در روایت آمده: (هیچ چیزی زود به چیزی دیگر مانند حسنه جدید به گناه قدیمی الصاق نمی‌شود). و همراه با توبه گناهکار باید از مجازات پیش‌بینی شده بیمناک باشد، خدا با شفاعت توبه پیامبران پیشین را پذیرفت، آدم علیه السلام می‌گوید: گناهم، و ابراهیم و موسی علیهم السلام می‌گویند: گناهم.

اگر کسی بگوید این آیه: ﴿مَنْ يَعْمَلْ سُوءًا يُجْزَ بِهِ﴾ [النساء: ۱۲۳].^۱

«هر کس عمل بدی انجام دهد، کیفر داده می‌شود».

مقتضی این است که از گناهکار چشم‌پوشی نمی‌شود، در حالی که می‌دانیم توبه مورد پذیرش قرار می‌گیرد، و از خطا گناهکار چشم‌پوشی می‌شود، پس چه جوابی دارد؟

دو جواب داده‌اند: ۱- این آیه بر گناهکاری حمل می‌شود که بر گناه

^۱ - صید الخاطر، تألیف ابن جوزی، «ص: ۳۹۱، ۳۹۲».

مصر بوده و توبه نکرده باشد، چون توبه ماقبلش را پاک می‌کند.
 ۲- به صورت اطلاق است (و این نظر ابن جوزی است، و قابل توجیه است) و ابن جوزی دلیل نقلی و عقلی آورده است.

دلیل نقلی: هنگامی که این آیه نازل شد ابوبکر رضی الله عنه گفت: ای پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم آیا به هر گناهی مجازات می‌شویم؟ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «آیا بیمار نمی‌شوی، آیا غمگین نمی‌شوی، آیا سختی طاقت فرسا نداشتی؟ این کیفر شما بوده است».

دلیل عقلی: هنگامی که مؤمن پشیمان شود و توبه نماید افسوس او در هر لحظه بر گناه از هر مجازاتی سخت‌تر است، پس وای بر کسانی که تلخی مجازات دائمی را می‌شناسد، و لذت لحظه‌ای گناه را برمی‌گزینند!

اغفال شدن به رحمت خداوند جهل است:

برخی مردم به رحمت خداوند اغفال می‌شوند، و تنها رحمت خداوند را مشاهده می‌کنند، و فراموش می‌کنند که خداوند (شدیدالعقاب) است.

ابوعمر و بن العلاء می‌گوید: فرزند دق به نزد جماعتی که باهم درباره رحمت خداوند گفتگو می‌کردند نشست، و فرزند دق از همه آن‌ها امید و رجاء بیشتر داشت، به او گفتند: چرا به زنان پاکدامن تهمت می‌زنید؟ گفت: به من بگوئید اگر مانند نافرمانی پروردگار با پدر و مادرم انجام دهم آیا فکر می‌کنید آن‌ها از ته دل دوست داشته باشند مرا به تنور مملو از آتش بیاندازند؟ گفتند: خیر، بلکه تو را عفو می‌کنند. گفت من به رحمت پروردگار از پدر و مادر بیشتر امیدوارم!

ابن جوزی در تعلیقی بر این قصه می‌گوید^۱: این نادانی محض است،

^۱ - تلبیس ابلیس، تألیف ابن جوزی، «ص: ۳۹۱، ۳۹۲».

چون رحمت پروردگار بشیوه لطافت و ملایمت قلبی نیست، و اگر این طور بود پرنده‌ای ذبح نمی‌گردید، و بچه‌ای نمی‌مرد، و کسی وارد جهنم نمی‌شد، اشتباه فرزدق از دو جهت است:

۱- فرزدق فقط به جانب رحمت توجه کرده، و به عقاب و کیفر توجه نکرده است.

۲- فراموش کرده که رحمت فقط برای توبه کنندگان است چنانچه

قرآن می‌فرماید: ﴿وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِّمَن تَابَ﴾ [طه: ۸۲].

«و من برای کسی که توبه کند بسیار آمرزنده هستم».

و در آیه دیگر: ﴿وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ فَسَأَكْتُبُهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ﴾

[الأعراف: ۱۵۶].

«و رحمت و مهربانی من شامل هر چیزی است و کسانی که تقوا پیشه

کنند رحمت من برای آن‌ها حتمی و مخصوص آن‌هاست».

و امروزه اگر جوانی مرتکب گناهی می‌شود از برخی مردم شنیده

می‌شود که می‌گویند: آن‌ها جوان هستند، و خدا آمرزنده و مهربان است، و

فراموش می‌کنند: که خدا شدید العقاب است.



فصل نهم:

راه رهائی از گناهان شوم

درباره شوم بودن گناه و آثار مخرب آن بر فرد و جامعه بحث کردیم، و این به معنای ناامیدی از رحمت خدا نیست، بلکه بیدار کردن بر خطرات گناه و رابطه دائمی با پروردگار است.

ابوهریره رضی الله عنه می گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله به نقل از پروردگار (در حدیث قدسی) فرمودند: «بندهام گناهی کرد سپس گفت: خدایا مرا عفو کن، خداوند می فرماید: بندهام گناه کرد و می داند خدایی دارد و مجازات می کند، و او را می بخشد، سپس دوباره گناه می کند و می گوید: خدایا مرا عفو کن، خداوند می فرماید: بندهام گناه کرد و می داند خدای دارد و مجازات می کند، و او را می بخشد، سپس دوباره گناه می کند و می گوید: خدایا مرا عفو کن، خداوند می فرماید: بندهام گناه کرد و می داند خدای دارد و مجازات می کند، و او را می بخشد، خداوند می فرماید: آنچه می خواهید انجام بده تو را بخشیدم»^۱.

معنای حدیث این است جز گمراهان کسی از رحمت خدا ناامید نمی شود، و انسان هر چه گناه انجام داده باشد نباید از رحمت خداوند مأیوس باشد، و ارتباط و ذکر همیشگی پروردگار سبب عفو و بخشش گناهان است، و یکی از صفات پروردگار (غفور و تواب) است، و در آن دو صفت دلالت بر وسعت رحمت و مغفرت پروردگار است، ولیکن باید انسان عاقل

^۱ - مختصر صحیح مسلم، «شماره حدیث ۱۹۳۵، ص: ۵۱۴».

همیشه از گناهان بیم داشته باشد، هرچند هم توبه کرده باشد، چون اطلاعی از پذیرش توبه ندارد.

ابن جوزی رحمته می‌گوید^۱: (بسیاری مردم را دیده‌ام به پذیرش توبه اطمینان و باور کرده‌اند و گویا یقین دارند، و این جز خدا کسی نمی‌داند، سپس اگر توبه مورد پذیرش واقع شده باشد، خجالت از انجام گناه همیشه ماندگار است، و ترس پس از توبه مورد تأیید است، چنانچه در صحاح آمده: مردم به نزد آدم علیه السلام می‌روند، آدم می‌گوید: گناهم، و به نزد نوح، ابراهیم، عیسی علیه السلام^۲ می‌روند، و همگی می‌گویند: گناهم.

گناه پیامبران در واقع گناه نیست، و با وصف آن توبه کرده‌اند و پوزش طلبیده‌اند، و پس از آن هم بیمناک بوده‌اند، و خجالت پس از توبه از بین نمی‌رود، چه زیباست فرموده فضیل بن عیاض رحمته: «چقدر شرمسارم از تو ای خدایا، هرچند مرا ببخشید، به خدا سوگند بدبختی برای کسی است که گناه می‌کند و لذت لحظه‌ای را برمی‌گزیند، چون گناه حسرتی بجا می‌گذارد، هرچند هم مورد عفو قرار گیرد، هیچ وقت از دل انسان جدا نمی‌شود»^۳.

هنگامی که انسان از گناه کردن بیمناک باشد، و عمل نیک و حسنات محوکننده گناه انجام دهد، گناهان پیشین او باعث ورودش به بهشت می‌شود: اما چگونه است؟ ابراهیم بن آدهم در تفسیر این آیه: ﴿وَلَمَنْ خَافَ

^۱ - صید الخاطر، تألیف ابن جوزی، «ص: ۳۳۰، ۳۳۱».

^۲ - این نظر ابن جوزی درباره عیسی علیه السلام درست نیست، چون در صحاح گناهی از عیسی ذکر نکرده است.

^۳ - صید الخاطر، تألیف ابن جوزی، «ص: ۳۳۱».

^۴ - الزهد، امام احمد، «ص ۴۳۷».

مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٍ ﴿۶۱﴾ [الرحمن: ۴۶].

«و برای کسی که از ایستادن در پیشگاه پروردگارش ترسیده (و به اوامر و نواهی او عمل کرده)، دو باغ بهشتی است!».

می‌فرماید: (اگر بخواهد گناهی انجام دهد از ترس خدا پرهیز می‌کند)، حسن رضی الله عنه می‌گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: (انسان گناهی انجام می‌دهد و بواسطه آن خداوند او را به بهشت وارد می‌کند، صحابه گفتند: ای پیامبر خدا چگونه وارد بهشت می‌شود؟ فرمود: در برابر چشمش (گریزان و توبه‌کنان) است تا او را به بهشت وارد می‌کند).^۱

عرض سعید رضی الله عنه کردند: عابدترین انسان کیست؟ گفت: (کسی است مرتکب گناه شده است و هر گاه گناهش را به یاد می‌آورد عملش را ناچیز می‌شمارد).^۲

پس اگر خواستی از گناهان رهایی یابی خود را به استغفار تسمک جو، و اعمال نیک انجام بده، و از گناهانت بترس، و از خدا خاتمه نیکو آرزو کن. و با این قصه بحث را به پایان می‌برم: سفیان ثوری رضی الله عنه شبی تا صبح گریه کرد، و هنگامی که صبح شد کسی به او گفت: آیا این همه بخاطر ترس از گناه است؟ گاهی را از زمین برداشت و گفت: گناه از این آسان‌تر است، بلکه من بخاطر عاقبت و پایان بد گریه می‌کنم: ابن قیم رضی الله عنه در هامش این قصه می‌گوید: (این نهایت دانش است که انسان بیم داشته باشد گناه در هنگام مرگ او را بدبخت کند، و عاقبت نیکو را به عاقبت بد تغییر دهد).^۳

^۱ - الزهد، امام احمد، «ص: ۴۷۴».

^۲ - الزهد، امام احمد، «ص: ۴۶۴».

^۳ - النوافخ العطره، صفدی، «ص: ۸۶».

فصل دهم:

گناہانی که باید از آن پرهیز شود، و پیامبر ﷺ در حدیث

صحیح از آن نهی فرموده است

- ۱- تکبر: کسی که به اندازه ذره‌ای تکبر در دل داشته باشد وارد بهشت نمی‌شود.
- ۲- ریا: کسی که خود را در بین مردم بزرگ جلوه دهد خداوند در قیامت او را شرمسار می‌کند، و هرکس ریا نماید خداوند اسرارش را فاش می‌کند.
- ۳- طلب علم بخاطر دنیا: اگر کسی علمی یاد بگیرد - و از علومی باشد که بخاطر خشنودی رضایت خدا بکار رود - و هدف از یادگیری آن، بدست آوردن دنیا باشد، بوی خوش بهشت را استشمام نمی‌کند.
- ۴- عمل برای مردم: خداوند می‌فرماید: من از هر کسی به شرک بی‌نیازترم، هر کسی کاری برای من انجام بدهد و غیر من نیز منظورش باشد او را با شرکش تنها می‌گذارم.
- ۵- ترک نماز عصر و جمعه: «هر کسی نماز عصر را ترک کند عملش بیهوده می‌ماند». «هر کسی سه جمعه را از روی سهل‌انگاری ترک کند خداوند مهر بر قلبش می‌زند».
- ۶- کوتاهی در نماز: «پیمان بین ما و کافران نماز است، هرکس آن را ترک نماید کافر است». «مرز بین کفر و شرک ترک نماز است».
- ۷- منع زکات: صاحب طلا و نقره‌ای که زکات آنرا نپردازد، روز قیامت ورقه‌های آهنی را در آتش جهنم گداخته شده و بر جنب و پیشانی و

کمرش می‌کشند، هر وقت سرد شد بار دیگر بر او کشیده می‌شود، در روزی که مدت آن پنجاه هزار سال است، تا اینکه بین خلائق حساب و قضاوت شود، و ببیند که او از اهل آتش است یا از اهل بهشت.

۸- **جاسوسی:** کسی که به سخن مردم گوش فرادهد - در حالی که دوست ندارند یا از او دوری می‌کنند - در روز قیامت فولاد گداخته به گوشش می‌ریزند.

۹- **نمائی:** «نمائم وارد بهشت نمی‌شود» نمائم: سخن چین است.

۱۰- **غیبت:** «نام بردن کسی به چیزی است که دوست ندارد» پیامبر ﷺ می‌فرماید: «در شب معراج جماعتی را دیدم ناخن‌های فولادی داشتند و با آن صورت و سینه خود را می‌شکافتند، گفتم: ای جرئیل این‌ها کی هستند؟ گفت: این‌ها کسانی هستند که گوشت مردم را می‌خوردند - کنایه از غیبت - و بدگوئی آبرو و حیثیت دیگران می‌کردند».

۱۱- **نفرین کردن:** «نفرین کردن مؤمن مانند کشتن وی است.» «نفرین‌کنندگان در روز قیامت نمی‌توانند شفاعت‌کننده و شاهد باشند».

۱۲- **حسادت:** از حسد ورزیدن پرهیز کنید چنانچه آتش هیزم را می‌سوزاند، حسادت نیز حسنات را نابود می‌کند.

۱۳- **تکفیر مسلمان:** هر کسی به برادر مسلمانش بگوید: ای کافر، این کلمه به یکی از آن‌ها برمی‌گردد، اگر آن شخص کافر باشد به او برمی‌گردد، و در غیر این صورت به گوینده برمی‌گردد.

۱۴- **ترساندن مؤمن:** «برای هیچ مسلمانی جایز نیست مسلمانی را بترساند» اگر کسی آهن یا چیز برنده‌ای را رو به برادر مسلمانش

- بگیرد، تا دست از آن کار برمی‌دارد فرشتگان او را نفرین می‌کنند.
- ۱۵- افشاء راز: پست‌ترین انسان در روز قیامت کسی است که با همسرش خلوت می‌کند و سپس رازهای بین هم را نزد کسی بازگو می‌کند.
- ۱۶- ربا و سود: پیامبر صلی الله علیه و آله رباخوار و ربادهنده را لعن فرمودند: «اگر کسی با علم و آگاهی یک درهم رباخواری کند شدیدتر از ۳۶ زناست».
- ۱۷- عادت به شراب: پنج دسته وارد بهشت نمی‌شوند: کسی که به شراب‌خواری عادت گرفته است، کسی که به سحر باور دارد، کسی که صلّه رحم را بجا نمی‌آورد، کاهن، منت‌گذار.
- ۱۸- از خانه بیرون رفتن زنی که خود را عطرآگین کرده است: هر چشمی زنا می‌کند، اگر زنی خود را عطرآگین نماید و از کنار جمعی - مرد - عبور نماید زناکار است.
- ۱۹- نظر حرام: خدا بر انسان در هر چیزی زنایی قرار داده است، و خواهه یا نخواهد آن را می‌یابد، زنای چشم تماشای نامحرم است، و زنای گوش شنیدن حرام است، و زنای زبان سخن حرام است، و زنای دست‌ها قلب هوس و آرزو می‌کند، و شرمگاه گاهی آن را تأیید، و گاهی رد می‌کند.
- ۲۰- خلوت با زن نامحرم: هیچ کدام از شما با زنی نامحرم خلوت نکنند. چون نفر سومی آن‌ها شیطان است.
- ۲۱- هم‌جنس‌بازی (لواط): «خدا کسی را که عمل قوم لوط انجام می‌دهد نفرین کرده است». «اگر کسی را یافتید که عمل قوم لوط را انجام داد هم فاعل و هم مفعول را به قتل برسانید».
- ۲۲- زنا کردن: «... با آن‌ها رفتن خانه‌ای را دیدم بر روی تنوری ساخته

بودند از طرف بالا تنگ و از طرف پائین واسع بود، و آتش در آن افروخته بودند، و مردان و زنانی لخت در آنجا بودند، هنگامی که آتش شعله‌ور می‌گردید از آنجا بلند می‌شدند تا جای که نزدیک بود خارج شوند، و اگر خاموش می‌گردید دوباره برمی‌گشتند، پرسیدم: آن‌ها کی هستند؟ «سپس گفت: آن‌هایی که در تنور دیدی؛ زناکاران هستند».

۲۳- تشبه مرد به زن و بالعکس، و همچنین تشبه به کافر: «پیامبر زنانی که خود را به صورت مردان درمی‌آوردند و مردانی که خود را به صورت زنان درآوردند لعن و نفرین کرده است». «هر کسی شبیه قومی شود از جمله آن‌هاست».

۲۴- خال کوبی و پیوند مو: خداوند پیونددهنده، مو و کسی که خواستار آن است، و کسی که خال می‌کوبد، و کسی که خواستار خال کوبی است را لعن کرده است.

۲۵- ازدواج بدون ولی: هر زنی بدون اجازه ولی و سرپرستش ازدواج کند ازدواجش باطل است، ازدواجش باطل است.

۲۶- نسبت دادن فرزند به غیر پدرش: کسی که با علم و آگاهی ادعا کند که فرزند پدرش نیست بهشت بر وی حرام است.

۲۷- رفتار نکردن به علم و دانش: مردی را در روز قیامت می‌آوردند و در آتش افکنده می‌شود وروده‌هایش بیرون می‌آید، و در میان وروده‌هایش مانند چرخیدن الاغ در آسیاب دور می‌زند، و جهنمیان بر او جمع می‌شوند و می‌گویند ای فلانی چرا این طور هستی؟ مگر تو نبودی که ما را امر به معروف و نهی از منکر می‌کردی؟ پاسخ می‌دهد من شما را امر به معروف می‌کردم و خود انجام نمی‌دادم، و شما را نهی از منکر می‌کردم و خود انجام می‌دادم.

۲۸- کتمان و پنهان کردن علم: کسی که از او چیزی بپرسند و با وصف آگاهی جواب ندهد در روز قیامت لگام آتشین در دهانش می گذارند.

۲۹- دروغ بر پیامبر ﷺ «دروغ بستن بر من مانند دروغ بستن بر هیچ کسی نیست، هر کسی عمداً بر من دروغی ببندد جایگاه خویش در آتش را آماده کند.

۳۰- دروغ گفتن: «حذرا! حذر از دروغ گفتن، چون همراه فسق است و هر دو در جهنم است» مؤمن دروغ نمی گوید: «شب معراج دو مرد به نزد آمدند و گفتند: آن شخصی که گوشه دهانش را چاک چاک می کند دروغگوی بود، کارش دروغگوئی بود و دروغی که می گفت به آفاق می رسید.

۳۱- دروغ گفت به شوخی: وای بر کسی که دروغ می گوید تا مردم بخندند. وای بر وی! وای بر وی!

۳۲- خود پاک نگه نداشتن از ادرار: از ادرار خود را پاک نگهدارید چون اولین چیزی است که انسان به آن در قبر محاسبه می شود.

۳۳- سفر زن بدون همراهی محرم: برای هیچ زنی که به خدا و روز آخرت ایمان دارد حلال نیست مسافت یک روز - جز با همراهی محرمی - سفر نماید.

۳۴- نوحه سرایی: کسی که بر وی نوحه سرایی و زاری می کنند در روز قیامت به آن معذب می شود «خداوند زن نوحه سرا و گوش دهنده به وی را نفرین کرده است».

۳۵- فراخواندن به گمراهی: هر کسی مردم را به گمراهی فراخواند گناه آن ها بر دعوت گر است بدون اینکه چیزی از گناه آن ها کم شود.

۳۶- سوگند به غیر خدا: «هر کس به غیر خدا سوگند یاد کند یا کافر یا مشرک می شود»، «هر کس سوگند یاد می کند یا به خدا سوگند یاد

کند و یا ساکت شود».

۳۷- سوگند دروغ: هر کسی با سوگند دروغ مال کسی را تصرف نماید، پروردگار را ملاقات می‌کند در حالی که از او خشمگین است.

۳۸- سوگند در معاملات: «از سوگند فراوان در معاملات پرهیز کنید چون معامله را رواج می‌دهد سپس نابود می‌کند». «سوگند کالا را رواج و برکت را نابود می‌کند».

۳۹- دزدی: «هیچ دزدی دزدی نمی‌کند مگر اینکه به هنگام دزدی مؤمن نیست». «خداوند دزدی را که تخم‌مرغ می‌دزدد و دستش قطع می‌شود نفرین کرد».

۴۰- غصب زمین: کسی ظالمانه یک وجب زمین کسی را غصب کند خدا روز قیامت هفت طبقه زمین را طوق گردنش می‌گرداند.

۴۱- ساختن بنا بر قبر: پیامبر ﷺ از گچ‌کاری قبر و نشستن بر روی آن و ساختن بنا بر آن نهی فرمود.

۴۲- نیرنگ: هنگامی که خداوند تمام خلائق را در روز قیامت گردآوری می‌کند، برای هر خیانت‌کاری پرچمی برافراخته می‌شود، و می‌گویند این خیانت فلانی فرزند فلانی است.

۴۳- نشستن بر قبر: اگر کسی بر اخگر (آتش پاره‌ای) بنشیند و لباسش سوخته شود، بهتر از نشستن بر قبری است.

۴۴- عزاداری بر مرده: برای زنی که به خدا و روز آخرت ایمان دارد حلال نیست بیشتر از سه روز بر مرده - جز برای شوهر - سوگواری نماید.

۴۵- تکدی کردن: سه چیز بر آن قسم می‌خورم، و سخنی برای شما می‌گویم آن را حفظ نمائید ... هیچ کسی باب تکدی را باز نمی‌کند

مگر اینکه خداوند باب فقیری را بر وی باز می‌کند.

۴۶- خیانت در معامله: پیامبر ﷺ از فروختن شخص شهری برای صحرائی «بیابانی یا روستائی» و خیانت در معامله، و معامله بر معامله برادر دینی نهی فرمود.

۴۷- زنانی که به زیارت قبرستان می‌روند: «خداوند زنانی را که به زیارت قبرستان می‌روند نفرین کرده است» ام عطیه رضی الله عنها می‌گوید: ما زنان از رفتن به تشیع جنازه منع شده‌ایم، ولی بر ما به صورت جدی مصمم نبود.

۴۸- اجتناب کردن زن: اگر مردی تقاضای همبستری از همسرش نماید و او ممانعت نماید تا صبح فرشتگان او را نفرین می‌کنند.

۴۹- خیانت به زیردستان: هر کسی خدا او را بر گروهی برتری داده باشد و به هنگام مرگش معلوم شود به آن‌ها خیانت کرده است پروردگار بهشت را بر وی حرام می‌گرداند.

۵۰- فتوی دادن بدون علم و آگاهی: کسی که برای وی فتوی بدون آگاهی داده باشند گنااهش بر فتوادهنده است.

۵۱- تقاضای طلاق: هر زنی بدون مشکل از همسرش خواستار طلاق باشد بوی بهشت بر وی حرام است.

۵۲- سخنی که باعث خشم پروردگار شود: کسی حرفی - از خشم پروردگار - می‌زند و به آن مبالغت نمی‌دهد، در حالی که ممکن است بواسطه آن هفتاد سال در جهنم سقوط کند.

۵۳- سخن به غیر ذکر خدا: به غیر یاد و ذکر خدا زیاد سخن نگوئید چون باعث سنگدلی می‌شود.

۵۴- قهر با مسلمانی: «برای هیچ مسلمانی حلال نیست بیش از سه روز

از برادر دینی‌اش قهر باشد». «هر کسی یک سال با برادرش قهر باشد مانند آن است که او را کشته باشد».

۵۵- ناسزاگوئی: بدترین انسان در روز قیامت کسی است که مردم از ترس فحش و ناسزاگوئی او را ترک کرده‌اند.

۵۶- کسی که هدیه‌ای می‌دهد و دوباره پشیمان می‌شود: «کسی که خواستار برگرداندن هدیه‌اش است مانند سگی است قی می‌کند سپس به آن دوباره برمی‌گردد». «برای هیچ مسلمانی حلال نیست هدیه‌ای به کسی بدهد سپس پشیمان شود و خواستار هدیه‌اش باشد».

۵۷- اعلان گم شده در مسجد: هرکس شنید مردی گم شده‌اش را در مسجد اعلان می‌کند بگوید: خدا گم شده‌ات را برنگرداند، چون مساجد برای چنین چیزها ساخته نشده است.

۵۸- مرور از جلو نمازگذار: اگر مرور کننده‌ای از جلو نمازگذار می‌دانست چه کیفری دارد، همانا چهل سال می‌ایستاد بهتر بود برای وی تا از جلو او عبور نماید.

۵۹- اذیت و آزار نمازخوان: هر کسی که پیاز و سیر و تره‌فرنگی بخورد نباید به مسجد ما نزدیک شود چون فرشتگان به آنچه که انسان را آزار می‌رساند اذیت می‌شوند.

۶۰- نوشیدن‌های که منع شده‌اند: پیامبر ﷺ از نوشیدن از دهانه مشک آب نهی کردند: «پیامبر ﷺ از نوشیدن با حالت ایستاده جلوگیری کرد».

۶۱- نوشیدن با دست چپ: هیچ یکی از شما با دست چپ چیزی نخورد و ننوشد چون شیطان با دست چپ می‌خورد و می‌نوشد.

۶۲- قطع صله رحم: «کسی که قطع خویشاوندی می‌کند وارد بهشت

نمی‌شود، هیچ گناهی مستحق‌تر به کیفر زودرس پروردگار در دنیا – با وصف ذخیره کیفر آخرت – از قطع خویشاوندی و خیانت و دروغ نیست». «زودرس‌ترین پاداش اعمال برای صله رحم است، تا جای که خانواده بدکار نیز با صله رحم دارائی و تعداد آن‌ها فزونی می‌یابد».

۶۳- **صلوات نفرستادن بر پیامبر ﷺ:** «به خاک مالیده شود – بی‌ارزش شود – بینی آن کسی که اسم من در نزدش برده شود و صلوات بر من نمی‌فرستد». «بخیل کسی است نام من نزدش برده می‌شود و صلوات بر من نمی‌فرستد».

۶۴- **مهمل گفتن و متکلفانه سخن گفتن:** منفورترین شما نزد من و دورترین کس از من در روز قیامت: آدم‌های مهمل‌گو و یاوه‌گو و پرگو هستند.

۶۵- **نگهداری سگ:** هرکس سگی را – بجز سگ شکاری یا سگ گله نگهداری کند، هر روز دو قیراط «دو پیمانۀ بزرگ» از پاداشش کاهش می‌یابد.

۶۶- **اذیت کردن حیوانات:** زنی بواسطه گربه‌ای وارد جهنم شد، چون گربه را حبس کرد، و نه خوراکی به آن داد! و نه هم رهايش کرد تا از حشرات زمین چیزی بخورد تا از لاغری مرد. چیز جاندار را به بازی و اذیت نگیرید.

۶۷- **نقاشی و عکس کشیدن:** «سخت‌ترین عذاب روز قیامت برای کسانی است که (جاندار) را نقاشی می‌کنند» فرشتگان وارد خانه‌ای نمی‌شوند که در آن سگ یا عکس است.

۶۸- **دشمنی کردن با دوستان خدا:** خداوند می‌فرماید: هر کسی با یکی از دوستان من دشمنی کند با او اعلام جنگ می‌کنم.

۶۹- قتل پناه آورنده: هر کسی پناهنده‌ای را به قتل برساند وارد بهشت نمی‌شود، و شمیم و بوی بهشت، در مسیر یکصد سال را می‌یابد.

۷۰- محروم کردن وارث از ارث: هرکس وارثش را از ارث محروم نماید، خداوند او را از بهشت محروم می‌نماید.

۷۱- پنج چیز با پنج چیز واقع می‌شود: پنج چیز اگر به آن مبتلا شدید حال شما چگونه خواهد بود و - به خدا پناه می‌گیرم که شما را فرانگیرد - هیچگاه فحشاء در بین قومی بصورت علنی آشکار نشده است مگر اینکه خشکسالی و طاعونی که در - بین گذشتگان آن‌ها سابقه نداشته - در بین آن‌ها شیوع می‌یابد. و خیانت در ترازو و پیمانانه انجام نداده‌اند مگر اینکه به خشکسالی و تنگدستی و ظلم حاکم گرفتار شده‌اند. و زکات اموال پرداخت نکرده‌اند مگر اینکه از بارش باران محروم شده‌اند. و اگر چارپایان نبود باران نمی‌بارید. و عهد و پیمان خدا و پیامبرش ﷺ را نقض نکرده‌اند. مگر اینکه خداوند دشمنی از غیر آن‌ها بر آنان مسلط کرده است، و برخی از آنچه داشته‌اند را تصرف کرده است، و امرای هیچ قومی به کتاب خدا عمل نکرده‌اند مگر اینکه باعث بدبختی در بین آن‌ها بوده‌اند.



خاتمه

هنگامی که می‌خواهیم در دنیا و آخرت سالم باشیم باید از عاقبت گناهان بیمناک و برحذر باشیم، و این جز با ترک گناهان و دوری از آن، و طلب آمرزش دائمی ممکن نیست.

ابن جوزی رحمته می‌گوید: (باید هر انسان عاقل و فهیمی از عاقبت گناهان بیمناک باشد و حذر کند، چون در بین انسان و پروردگار فامیلی و نسب نیست، بلکه بر مبنای قسط و عدالت است، هرچند مهربانی او شامل همه گناهان می‌شود، و اگر بخواهد با گناه ناچیزی آدم را شرمسار می‌نماید، امان! امان!)^۱.

مطالبی که ملاحظه کردید چیزی بود دوست داشتیم در این بحث کوتاه بخاطر اهمیت موضوع و گله و شکایت مردم از سنگدلی، و از بین رفتن برکات، و وسوسه‌های شیطانی به آن اشاره کنم و خصوصاً عامل اصلی آن شوم بودن گناه – پناه به خدا – می‌باشد، پس اگر خطا و اشتباهی در آن پیدا کردید از بنده حقیر است، واستغفر الله العظیم.

والحمد لله الذي بنعمته تتم الصالحات.

هیچ دعای سودمندتر از دعای غائب برای غائب نیست.

ای خواننده به خدا سوگندت می‌دهم:

که برای نویسنده طلب آمرزش بنمائید.

ریاض / اول محرم ۱۴۲۱ هجری

نویسنده: أبو محمد عبدالله بن محمد بن عبدالرحمن السدحان

^۱ - صید الخاطر، ابن جوزی، «ص: ۱۳۲».

منابع و مأخذ

- ١- قرآن كريم.
- ٢- تفسير رازى، رازى.
- ٣- مختصر صحيح بخارى، زبيدى.
- ٤- مختصر صحيح مسلم، منذرى با تحقيق البانى.
- ٥- صحيح سنن أبى داود، البانى.
- ٦- صحيح سنن ترمذى، البانى.
- ٧- صحيح جامع الصغير، البانى.
- ٨- فتح البارى، ابن حجر عسقلانى.
- ٩- جامع الاصول، ابن كثير.
- ١٠- النوافخ العطرة، صفدى.
- ١١- تأويل مشكل الحديث، ابن قتيبة.
- ١٢- صحيح سنن ابن ماجه، البانى.
- ١٣- تمييز مشكل الحديث، عبدالرحمن اثرى.
- ١٤- الحليه، ابونعيم.
- ١٥- تذكرة السامع والمتكلم، كنانى.
- ١٦- تهذيب مدارج السالكين، عبدالمنعم العزى.
- ١٧- احياء علوم الدين، غزالى.
- ١٨- فتاوى شيخ الاسلام ابن تيمية، ابن تيمية.
- ١٩- الزهد، ابن تيمية.
- ٢٠- الفوائد، ابن قيم.
- ٢١- أداب الدنيا والدين، ماوردى.

- ٢٢- الجواب الكافي، ابن قيم.
- ٢٣- الأذكار، نووي.
- ٢٤- صيد الخاطر، ابن جوزي.
- ٢٥- طريق الهجرتين و باب السعادتين، ابن قيم.
- ٢٦- الايمان الاوسط، ابن تيمية.
- ٢٧- ذم الهوى، ابن جوزي.
- ٢٨- مفتاح دارالسعادة، ابن قيم.
- ٢٩- التوبة، محاسبى.
- ٣٠- تلبيس ابليس، ابن جوزي.
- ٣١- الآداب الشرعية، مقدسى.
- ٣٢- تسلية اهل المصائب، ابن رجب.
- ٣٣- الحسن البصرى، ابن جوزي.
- ٣٤- نثر الدرر، ابوسعيد الآبى.
- ٣٥- الأمراض الخبيثة عقوبة إلهية، د- عبدالحميد قضاة.
- ٣٦- الطب محراب الإيمان، د- خالص جلبى.
- ٣٧- مجموع أخبار آخر الزمان، مشعلى.
- ٣٨- ابن تيمية بطل لاصلاح الدينى، محمد مهدي استانبولى.
- ٣٩- التدريبات العملية في علم الموجة الذاتية، يحيى حمزه شولك.
- ٤٠- معانى القرآن الكريم، ابوجعفر نحاس.
- ٤١- معانى القرآن، زجاج.